



+

کات CUT

همه برندگان تندیس

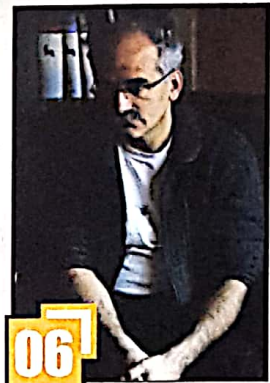
پایان جشن
مستندسازان

A Closing Ceremony for
Documentary Filmmakers

مورد عجیب
ابوالفضل جلیلی

The Curious Case of
Abolfazl Jalili

گفت و گوی فسرده نقیبی با کارگردانی که در مرز سینمای مستند داستانی کام برمی دارد
Khosrow Naghibi's Interview with a Director Who Walks on the Edge of Docudrama Film



06

جسارت و ویژگی بارز
مستند داستانی ها

گفت و گو با بیژن میرباقری
عضو هیات انتخاب



همه سری
به حقیقت زدند

مرور تصویری جشنواره هفتم

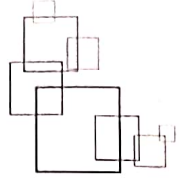
03

۷۰ دقیقه
با مرد خوش سخن

«فرگس مست» مستندی است
درباره آثار عرفانی الهی قمشهای.
جمشید بهمنی کارگردان این مستند
از ویژگی های آن می گوید

جمشید بهمنی پس از ساخت آثاری چون
«فرمانده»، «دستماز»، «خون خنجر
خیابان»، «میکائیل» و «هه یک اتفاق ساده»
در تازه ترین اثر خود سرراغ ساخت مستندی
درباره زندگی استاد حسین الهی قمشهای
رفته است. این مستند ۷۰ دقیقه ای که
«فرگس مست» نام دارد با استفاده از یکسری
مصاحبه ها و یک طرح داستانی کلی به
گوشهای از آثار عرفانی این استاد می پردازد.

12



رضایت فیلمسازان از جشنواره هفتم

آفرین روز جشنواره سینماحقیقت با نمایش فیلم‌های «الفبای سیاست»، «ماه‌کافه» و «بازی آدمکشی» به پایان رسید



مهسا همتی

آخرین روز جشنواره سینماحقیقت مانند هر فستیوال دیگری با ازدحام جمعیت بسیاری روبه‌رو بود. مستندسازانی که در روزهای قبل فرصت شرکت در جشنواره را نداشتند، برای تماشای فیلم و گفت‌وگو با دیگر فیلمسازان و علاقه‌مندان به سینما به فلسطین آمدند. بسیاری سعی کردند در آخرین روز جشنواره سینماحقیقت حتی از دورترین شهرهای ایران خود را به سینما فلسطین برسانند.

نقطه قوت یا نقطه ضعف؟

مرتضی پایه‌شناس یکی از این فیلمسازان است که دو فیلم با دیدگاه‌های متفاوت درباره یک موضوع ساخته و با هر دو در جشنواره سینماحقیقت شرکت کرده است. کارگردان «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» و «جای خالی یک نفر» که همراه با همسر و فرزندش به جشنواره آمده بود درباره سطح فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره امسال گفت: «فیلم‌ها به نسبت دوره‌های گذشته بهتر بود؛ اما به طور کلی میانگین سطح آن‌ها متوسط بود.» به نظر پایه‌شناس نقطه قوت جشنواره یک جورهایی نقطه ضعف آن هم بود. چراکه فیلم‌های خوب و متنوع بسیاری در آن شرکت داشتند؛ اما زمان آکران آن‌ها در پنج سالن مختلف گاه هم‌زمان بود و فیلم‌های خوبی بودند که امکان دیدنشان برای همه فراهم نشد. از طرفی کارگاه‌های مفیدی هم در زمان بخش فیلم‌ها برگزار شد که نمی‌شد به همه آن‌ها رسید.

فیلم‌ها در جشنواره بالاخره دیده شدند

فرشاد افشین‌پور فیلمساز دیگری است که نظرش با مستندساز قبلی کمی متفاوت است. او فیلم «برندگان در سرزمین برف و آفتاب» - که در دو بخش بهترین فیلم‌برداری و بهترین کارگردانی بخش زیست محیطی نامزد شده - را با محوریت طبیعت استان کهگیلویه و بویراحمد و زیستگاه پرندگان آن‌جا ساخته. افشین‌پور که در دو دوره قبلی هم در جشنواره سینماحقیقت شرکت کرده معتقد است در هفتمین دوره این جشنواره تمام نواقص دوره‌های پیشین رفع شده است. او می‌گوید: «سال گذشته زمان آکران مستند غیر از من فقط سه نفر دیگر در سالن بودند که یکی از آن‌ها مسئول بخش فیلم بود، اما امسال زمان آکران فیلم «برندگان در سرزمین برف و آفتاب» سالن کاملاً پر شده بود و چند نفر هم ایستاده فیلم را تماشا می‌کردند.» او معتقد است در این دوره نگاه برگزارکنندگان جشنواره به مقوله مستند حرفه‌ای‌تر از پیش بود و همین مساله باعث شد استقبال پرشوری از آن شود. درست است که در تمام جشنواره‌های فیلم ایران، باز فجر گرفته تا جشنواره فیلم کوتاه، بخشی هم برای فیلم‌های مستند در نظر گرفته می‌شود اما این جشنواره سینماحقیقت است که به طور خاص به مقوله مستند می‌پردازد و همین باعث شده فیلمسازان مستندان را متعلق به خود بدانند و انگیزه بیشتری برای شرکت در آن پیدا کنند. به نظر افشین‌پور مسئولان هفتمین جشنواره فیلم سینماحقیقت در برگزاری جشنواره به خصوص مهمان‌نوازی فیلمسازان جوان شهرستانی در هیچ چیز کم نگذاشتند.

استقبال از جشنواره نشانه موفقیت آن است

مهدی قربانی‌پور کارگردان مستند «ماه‌هه سربازیم» که نامزد بهترین فیلم در بخش مستندهای تاریخی است هم معتقد است امسال استقبال خوبی از جشنواره شده. قربانی‌پور که در سه دوره قبلی با فیلم‌های دیگری در جشنواره سینماحقیقت شرکت کرده موفقیت و نقطه قوت اصلی جشنواره امسال را در جذب و دعوت مستندسازان مطرح از سراسر جهان می‌داند. او معتقد است از آنجا که مدیریت جشنواره و همین‌طور مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تغییر کرده، جشنواره سینماحقیقت با هوشمندی بیشتری برگزار شده. قربانی‌پور این هوشمندی را در تنوع انتخاب فیلم‌ها می‌بیند. او که در همه دوره‌های جشنواره حضور داشته می‌گوید: «باید با صراحت بگویم استقبال که امسال از جشنواره سینماحقیقت شده کم‌نظیر است.»

جلب اعتماد مستندسازان در هفتمین دوره جشنواره

فیلم مستند «پرواز در دایره حضور» که درباره زندگی «احمد شاملو» شاعر معاصر ایران است یکی از پربیننده‌ترین فیلم‌های جشنواره بود که به دلیل استقبال مخاطبان از آن، نمایش آن در سینماهای مختلف جشنواره سینماحقیقت تکرار شد. می‌توان گفت حضور چهره‌های سرشناسی که در این فیلم درباره شاملو صحبت کرده‌اند از جذابیت‌های این فیلم است. حضور و حرف‌های محمود دولت‌آبادی، سیمین بهبهانی، مسعود کیمیایی، ایران درودی، محمدرضا اصلاقی، علی رفیعی، محمد شمس‌لنگرودی، محمد یعقوبی و همچنین آیدا (همسر احمد شاملو) در این فیلم تماشاگران زیادی را به سالن آکران این فیلم کشاند. مختار شکری پور تهیه‌کننده و کارگردان این مستند معتقد است دو دوره اول جشنواره سینماحقیقت خوب برگزار شد؛ اما دوره‌های بعدی رو به افول رفت اما بعد از پنج سال جشنواره سینماحقیقت دوباره به سال‌های آغازین آن برگشته و توانست اعتماد از دست رفته مستندسازان را دوباره به خود جلب کند. او می‌گوید: «جشنواره سینماحقیقت در هفتمین دوره خود بعد از سال‌ها دوباره جان گرفته و به مسیری که پیش از این هم قرار بود طی کند اما در میانه راه مانده بود برگشته و با سرعت زیادی به جلو می‌رود و عقب‌ماندگی‌ها را جبران می‌کند.»

رضایت از بخش پرتژه و اجتماعی



جعفر صابانی مقدم / داور جشنواره

در کارگروه نمایش انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند، بعضی از فیلم‌های شاخص را دیده بودم؛ اما آثاری در این جشنواره بود که برای اولین بار می‌دیدم و بسیار جذاب بودند البته تعداد این آثار زیاد نبود و همچنین آثاری وجود داشت که به دلیل غنای موضوع، تاثیر خوبی روی بیننده می‌گذاشت؛ اما از جهت ساختاری به خوبی گروه اول نبود. همچنین طبق انتظار، میزان آثار راه یافته از بخش‌های پرتژه و اجتماعی، ۴۰ درصد بود که در مقایسه با ۹ بخش کلی، نشان از علاقه بیشتر فیلمسازان به این دو بخش داشت؛ اما آنچه شگفتی من را موجب شد آثاری بود که در حوزه زیست محیطی ارائه شد. با وجود نام‌های بزرگی که در این بخش وجود داشت چهره‌های جدیدی هم در این دوره معرفی شدند. گرچه تعدادشان زیاد نبود و فقط ۹ درصد کل آثار را تشکیل می‌دادند؛ اما اکثر آثار راه‌یافته به بخش مسابقه قابل قبول بودند با فیلم‌برداری‌های زیبا، پژوهش، کارگردانی و تهیه‌کنندگی خوب. در کنار آن در بخش سیاسی و اقتصادی تنوع قابل قبولی وجود نداشت و امیدوارم در فضای جدید به وجود آمده، تحلیل دقیق سیاسی و اقتصادی در فیلم‌ها ارائه شود و ناچار به عرضه یک سوه از فیلم سیاسی نشویم. همچنین فیلم‌های اقتصادی یا صنعتی ما نتواند راهکار جدی برای راه افتادن اقتصاد کشور باشد چون سال‌ها گذشته با وجود اینکه به عنوان تهیه‌کننده در جشنواره فیلم حضور داشته، عضو هیات انتخاب یا داوری نبودم از یک جهت امکان مقایسه آثار را ندارم، اما از جهت دیگر رویکرد جشنواره را در چهار دوره گذشته سلیقه‌ای و غیر حرفه‌ای دیدم. تغییرات متعدد در ساختار جشنواره از جمله تقسیم‌بندی موضوعی، برگزیدن تیم‌های انتخاب و داوری گاه از میان مسئولان ارشد اسلامی و دوستان نامتعلق از سینمای مستند، استفاده از چهره‌های شاخص برای موجه جلوه دادن امور جشنواره و نه برای بهبود سطح کیفی، جایزه دادن و مطرح کردن همین چهره‌های قدیمی برای سساکت کردن فیلمسازان با استعداد جدید، انقراض قرار داد تولید فیلم با بعضی از چهره‌های کشف‌شده در صنف مستند با حداقل بودجه و توزیع وسیع آن بین خودی‌ها تنها بخشی از این رویکرد بوده است.

Satisfaction with Portrait and Social Section

There were some interesting films that I watched them for the first time. The statistics show that many filmmakers have become interested in making their documentaries in the form of portrait or social. But I was really surprised by the works in the field of environmental documentaries. In the Political - Economical Section, you could not see an acceptable variety and I hope with recent changes, a deep and exact political, economical analysis can be presented in our films.

Jafar Sanei Moghadam
Jury Member



Felsteh & Sepideh Theaters
Tehran 10-17 Dec 2013
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
۱۹ تا ۱۷ آذر ۹۳ تهران
سینما فلسطین - سینما سپیده

روخوان

شماره آخر

شماره ۹۲
شماره ۱۶ آذرماه ۹۲

گفته‌ها



کاوه بهرامی مقدم

گمان می‌کنم بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی بهتر کار می‌کند. شاید به دلیل این که در بخش خصوصی، تهیه‌کننده سرمایه‌گذار بهتر با هم کنار می‌آیند. باید کمک‌های دولتی مشمول حال بخش خصوصی شود تا تهیه‌کننده فرهنگی به وجود آید و فیلم‌های بهتری تولید شود. سینمای ملی ما تنها موقعی سروسامان می‌گیرد که بتواند جمع‌کننده را در بخش تهیه و تولید گرد هم آورد. اگر چنین جمعی شکل بگیرد قطعاً دستاورد خوبی در سینمای مستند خواهیم داشت که باعث تنوع و شادابی در تولیدات مستند و به طبع شادابی جشنواره‌ها خواهد بود.



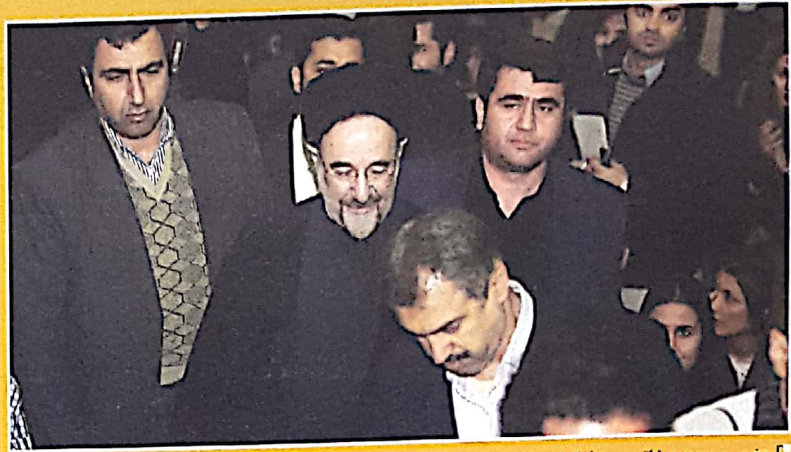
سامان سلاور

تلویزیون باید دنبال ساخت مستندهایی باشد که به اتفاقات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روز بپردازد و این جسارت و قدرت را داشته باشد که نقدی بر روربایستی ارائه کند. این مستندها باید توسط فیلمسازان جسوری ساخته شود زیرا بسیاری از پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در این مستندها مطرح می‌شود، خوش‌شان نخواهد آمد. جای خالی مستندهای اجتماعی در تلویزیون ما کاملاً احساس می‌شود. این شهر پر از سوزه‌های ناب است. باید سیاست‌گذاران حوزه‌های گوناگون سعه صدرشان را بالا ببرند، تا مستندسازان به وظیفه‌شان که نقد اجتماعی است، عمل کنند.



مانی حقیقی

به نظرم (در فیلم مستند پرتره) برای شناخت یک نفر باید به او و آدم‌های اطرافش نزدیک شد. باید با حربه‌هایی پرده‌ها را کنار زد و لحظه‌ها را شکار کرد. گفت‌وگو یکی از راه‌هایی است که به وسیله آن می‌توان آدم‌ها را شناخت. وقتی مونولوگ تبدیل به دیالوگ بین دو نفر می‌شود تو آن دو نفر را بهتر می‌شناسی. ضمن این که بخش سرگرمی و جذابیت فیلم مستند برای مخاطب خیلی مهم است. مخاطب باید خندان یا با اشک از سالن سینما بیرون بیاید.



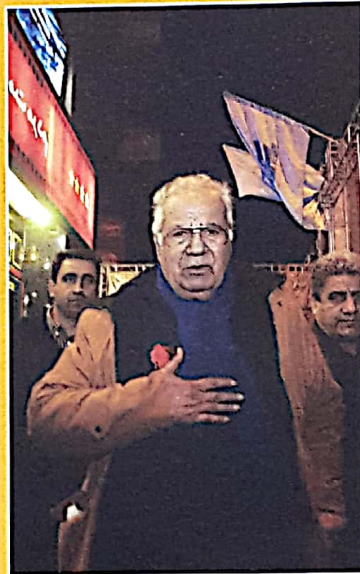
حضور سیدمحمد خاتمی مرد فعال این روزهای عرصه فرهنگ و هنر در سینما فلسطین یکی از بهترین اتفاقات جشنواره هفتم بود.

همه يك سر به حقيقت زدند!

مرور هفت روز سینما حقیقت از قاب دوربین نشریه روزانه



با برخلاف بسیاری از جشنواره‌ها و رویدادها هر عکاسی با هر زاویه دوربینی می‌توانست شلوغی جشنواره را به تصویر بکشد.



ناصر ملک‌مطیعی یا همان «فرمون» سینمای ایران که این روزها حسابی در بورس خبرهاست با آمدنش به جشنواره سینما حقیقت خیلی‌ها را غافلگیر و خوشحال کرد.



هوشنگ گل‌مکانی سردبیر ماهنامه فیلم هم از مهمترین چهره‌های رسانه‌ای حوزه فیلم بود که مهمان جشنواره هفتم شد.



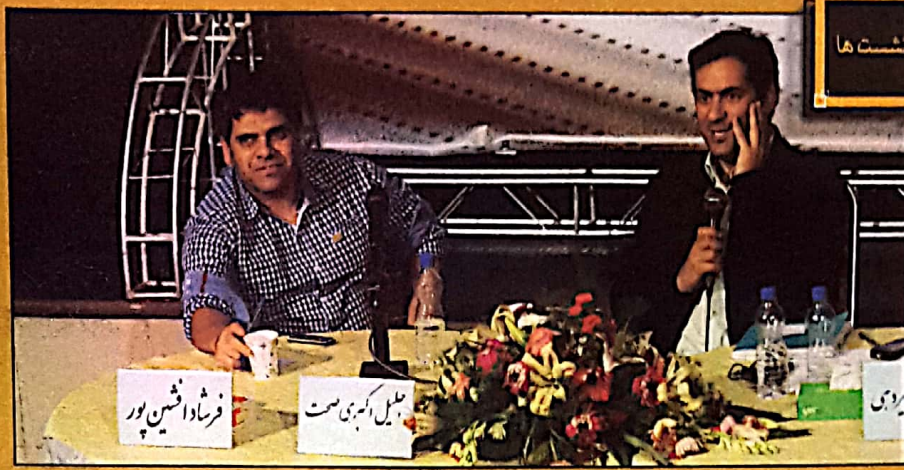
با باید ناصر تقوایی باشی تا وقتی نکوداشتی به افتخارت برگزار می‌شود جای سوزن انداختن هم در سالن نباشد.



با این هم از آن شکار لحظه‌های خاص و جذاب. فیلمساز خارجی از بوستر فیلم خودش که در جشنواره به نمایش در آمده عکس می‌گیرد.



با حجت‌الله ایوبی در این چند ماه نشان داده زیاد اهل نشست پست میز نیست، حضور او هم در جشنواره پررنگ و جالب بود.



Review of Two Export Films and a Symbolic One

The last review meeting of the 7th Cinema Verite Festival was held yesterday. Three films of the festival were reviewed in this meeting with the presence of Jalil Akbari Sehat, as film critic. 'The Unfinished Film for My Daughter Somayah' directed by Morteza Payehshenas was a challenging film ended in a fruitful review session. Akbari Sehat pointed out this film as a simple one, but as it gives a lot of information to the audience and creates conflicts, it may seem complicated.

نقد دو فیلم صادراتی و یک اثر سمبلیک

آخرین نشست جشنواره سینماحقیقت به نقد بررسی فیلم های «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه»، «لطفاً بوق بزینده» و «پرندگان در سرزمین برف و آفتاب» اختصاص داشت

رها لؤلؤی

وقتی به پرواز عادت نداریم

- ❑ پرندگان در سرزمین برف و آفتاب
- ❑ مجری: حمیده کیهان پیردهی
- ❑ کارگردان: فرشاد افشین پور
- ❑ منتقد: جلیل اکبری صحت
- ❑ موضوع مستند: نمایش سیمای طبیعی پرندگان استان کهگیلویه و بویراحمد.

فیلم «پرندگان در سرزمین برف و آفتاب» دومین ساخته فرشاد کیهان پیردهی سومین فیلم نشست نقد بررسی بود که به علت رفتن برق سالن دو نیمه تمام باقی ماند فرشاد افشین پور: شاید مشکل این است که بلد نبودم بهتر از این بسازم قبل از شروع مستندسازی، نقاش بودم و تاکنون بیشتر از دو فیلم ساخته‌ام. همه چیز در دست خدوم بود، واقعیت این بود که دانشم اجازه نمی‌داد بهتر از این بسازم و الا فضا برای ساخت فیلم باز بود. در حال حاضر قرار است مستندی درباره حیات وحش شهر همدان بسازم، امیدوارم با چیزهایی که در این جلسه یاد می‌گیرم بتوانم آن را بهتر بسازم. سوژه برای ساخت مستند حیات وحش زیاد است، اما مشکل افرادی هستند که توانایی بیشتر ساختن را ندارند.

جلیل اکبری صحت: معلوم است که کارگردان موضوع و سوژه‌ای را انتخاب کرده که کاملاً بر آن تسلط دارد. این فیلم را در هر کجای جهان که نشان دهید لحن بومی فیلم قابل تشخیص است. فیلم شاعرانه بود، البته موضوع به کارگردان اجازه می‌داد که از محیط این طور استفاده کند. تصویربرداری و نورپردازی به ما این اجازه را می‌دهد تا با طبیعت موازنه کنیم. مشکل اصلی این فیلم به سازمان‌هایی برمی‌گردد که سفارش دهند آن‌ها هستند آن‌ها سعی می‌کنند از مدل‌های ساختاری خاصی استفاده کنند و به جوان‌ترها اجازه نمی‌دهند از خلاقیت‌های خودشان استفاده کنند. آنقدر درگیر مناسبات می‌شویم که وقتی به ما فضا می‌دهند نمی‌توانیم از آن استفاده کنیم. عادت نداریم پرواز کنیم، حتی وقتی پول کمی در اختیار ما قرار می‌دهند سعی نمی‌کنیم کار بهتری با آن انجام بدهیم. در صورتی که کشورها دیگر در این امر موفق بوده‌اند، نمونه‌اش مکتب فیلمسازی لهستان که با بودجه‌های بسیار کم تاکنون فیلم‌های ارزشمند و مهمی ساخته‌اند یا اولین کار کانون پرورش فکری کودک و نوجوان که از فیلم‌های کوچک و بودجه‌های کم شکل گرفته. کاملاً مشخص است که کارگردان این فیلم اهل نقلی است، چون سایه روشن‌ها و نورها کاملاً در فیلم حضور ملموس دارند.

واجد تمام ارزش‌های سینمایی

- ❑ لطفاً بوق بزینده
- ❑ مجری: حمیده کیهان پیردهی
- ❑ کارگردان: رضا فرهنگند
- ❑ منتقد: جلیل اکبری صحت
- ❑ موضوع مستند: زندگی قوم مسلمان میانمار در کمپ‌های هند.

کوتاه‌ترین جلسه نقد بررسی جشنواره به فیلم «لطفاً بوق بزینده» اختصاص داشت. منتقد نشست نکات مثبت فراوانی در فیلم دیده بود و کارگردان نتوانست توضیحات بیشتری دهد. رضا فرهنگند: واقعیت این است که در طول سال‌هایی که فیلم می‌سازم، هرگز این حس را تجربه نکرده بودم که گروه ما این حد منسجم و خوب عمل کند. به نظر من این خیلی مهم است که تصویربردار، مشاور کارگردان و سایر عوامل کارهایشان را خیلی خوب انجام دهند. البته پژوهش‌هایی که سه ماه قبل از تصویربرداری شروع شد هم در موفقیت کار تاثیر داشت، اما همدلی گروه بسیار موثر بود. جلیل اکبری صحت: یکی از بهترین فیلم‌های جشنواره حقیقت همین فیلم است. یک نمونه مستند خوب که نشان می‌دهد چقدر از سینمای در حال اکران ما جلوتر است و سینمای مستند چه مرزهایی را می‌تواند فتح کند. قالب‌بندی‌های زیبا در فیلم انجام شده و با این که محیط کثیف، آلوده و زشت است کارگردان توانسته دکوپاژ مناسبی انجام دهد. بیشتر اوقات در سینمای مستند، کارگردانان دکوپاژ انجام نمی‌دهند و ما این را به خاطر مستند بودن کار می‌بخشیم؛ اما به نظر من این نکته مثبت فیلم بود. مهم‌ترین نکته این است که می‌شود راحت فیلم را دید. اصلاً معلوم نیست که کارگردان فیلم یک مسلمان است، چون زاویه دیدی انسانی و جهان‌شمول انتخاب کرده. واقعا کامل بود و کمتر فیلمی را دیدم که دارای چنین ریتم درونی باشند. در تمام جشنواره‌های دنیا استاندارد وجود دارد یا وارد سالن سینما نمی‌شوید یا اگر وارد شوید باید تا پایان فیلم برای ادای احترام به صاحب اثر بنشینید، اما متأسفانه این فرهنگ در کشور ما وجود ندارد. روزهای آخر جشنواره، همه ذهنی پر از تصاویر دارند، خسته هستند و شاید سوژه این فیلم برایشان جذاب نباشد. شاید بیننده وارد سالن شده و با خودش فکر کرده خب در جایی مسلمانان میانمار را می‌کشند، می‌دانید که آن‌ها شیعه هم نیستند اما از زمانی که اسلام آوردند همواره مورد ظلم قرار گرفته‌اند، اما به نظر من فیلم آقای فرهنگند کامل است.

وفادار به واقعیت

- ❑ فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه
- ❑ مجری: حمیده کیهان پیردهی
- ❑ کارگردان: مرتضی پایه شناس
- ❑ منتقد: جلیل اکبری صحت
- ❑ موضوع مستند: هر چه از عمر فیلم‌های خانوادگی یادگارهای می‌گذرد باز زرش تر هم می‌شوند...

آخرین نشست نقد بررسی جشنواره با فیلم پر مخاطب و چالش برانگیز «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» شروع شد. مخاطبان علاقه‌مند بودند سوالات خود را با کارگردان فیلم مطرح کنند و حتی عده‌ای بعد از تمام شدن جلسه این فیلم از سالن خارج شدند. مرتضی پایه شناس: سازمان در فیلم یک سمبل بود. تلاش کردم با استفاده از آن کاری کنم تا مخاطبان به این فکر بیفتند که آیا خودشان بدون این که بدانند در سازمان مشابهی گرفتار نیستند؟ این فیلم اصلاً برای بررسی سازمان مجاهدین (منافقین) ساخته نشده و ادعایی هم در این زمینه ندارد. یک روایت شخصی از اتفاقات است. اگر می‌خواستم به همه سوالات ذهن مخاطب درباره این سازمان جواب دهم باید ۱۰۰ قسمت مستند می‌ساختم. البته نسخه اولیه فیلم پنج ساعت و نیم بود. سعی کردم روایت داستان یک‌سویه نباشد. در این فیلم مصطفی زندگی خودش را روایت می‌کند و برای او ترورهای سال‌های شصت اهمیتی نداشته که در باره‌اش صحبت نکرده. اسم فیلم را ناتمام گذاشتم، چون به نظر من هنوز تمام نشده است. تاکنون سه بار فیلم را به اشکال متفاوتی مونتاژ کردم و سال گذشته روزی ۱۸ ساعت برایش وقت گذاشتم. پرداختن به این موضوع خیلی سخت بود، نمی‌خواستم بیننده‌ام فکر کند این فیلم را به سفارش نهاده‌ی می‌سازم. جلیل اکبری صحت: فیلم از آن جهت که از تمام عناصر تشکیل دهنده یک فیلم استفاده کرده، ساده به نظر می‌رسد، اما چون اطلاعات زیادی به من مخاطب می‌دهد و درگیری ذهنی برایمان ایجاد می‌کند، بیچیده به نظر می‌رسد. توصیه می‌کنم این فیلم را ببینید، نه یک بار بلکه دوبار. فیلم وفادار به واقعیت است، بدون این که طرفدار کسی باشد از فرایند گزارش ساده تبعیت می‌کند، اما مهم‌ترین اشکال این است که وقتی عاشق چیزی بشوم که آن را ساخته‌ام، نمی‌توانم مشکلات آن را هم ببینم. سعی کنیم فیلم کاملی بسازیم. تصویری که از این فیلم در ذهن من منتقد مانده، پر از زیاده‌گویی و اطلاعات کاذب است. ما باید مخاطب ۱۰۰ سال آینده فیلم را در نظر بگیریم که نسبت به شرایط آن دوره ایران و عراق چقدر اطلاعات دارد. خصوصاً در فیلم گزارشی سیاسی که دارد حقایق را بیان می‌کند.

Conflicting Views of Gandhi and Nehru

In the last day of the Cinema Verite festival, the hall No. 3 of Cinema Felestin hosted Indian filmmakers who made interesting statements about cinema of their country. Etefat Shokri Azar was also present as expert of the session. Amrit Gangar was also present in the session, as one of the jury members of this year's festival in the International Section. Nishtha Jain, the filmmaker and director of 'Gulabi Gang', was the other representative of Indian cinema in this meeting.



دیدگاه متناقض گاندی و نهر و درباره سینما

در جلسه گفت‌وگو با فیلمسازان سینمای هند حرف‌های جالب درباره سینمای این کشور مطرح شد

میرم مدیر

موضوع نشست: گفت‌وگو با فیلمسازان سینمای هند
مهمانان: نیشتا جین، آنوپاما یسیر یوانا، آمریت گانگار
کارشناس: التفات شکری آذر

در آخرین روز جشنواره سینماحقیقت، سالن شماره ۳ سینما فلسطین میزبان فیلمسازان هندی بود. در این نشست نیشتا جین، آنوپاما یسیر یوانا و آمریت گانگار درباره سینمای هند صحبت کردند. التفات شکری آذر کارشناس سینمای هند مجری این برنامه بود.

آشنایی با میهمانان هندی

آمریت گانگار عضو هیات داوران آثار کوتاه و نیمه‌بلند بخش بین‌الملل جشنواره امسال بود که در حال حاضر یکی از تاریخ‌نگاران و نظریه‌پردازان مستقل در سینماست. نیشتا جین هم امسال داور آثار بلند بخش بین‌الملل را برعهده داشت و نظرات جالبی درباره سینمای بالیوود بیان کرد. نفر سوم این جمع آنوپاما بود که تا به حال ۵-۶ فیلم کوتاه و مستند در هند ساخته است. او دبیر جشنواره زنان آسیاست که هر ساله در هندوستان برگزار می‌شود.

توجه ویژه نهر و به سینما

آمریت گانگار: قبل از شکل‌گیری سینما در هندوستان ۷۰ درصد مردم این کشور بی‌سواد بودند. گاندی سینما را دوست نداشت؛ اما جواهر نعل نهر و از کسانی بود که به خاطر مسائل آموزشی از به وجود آمدن سینما و پیشرفت فرهنگ استقبال کرد. به مرور زمان بعد از این حمایت از طرف نهر و آثار خبری و پوشش رخدادهای به راحتی شکل گرفت و پای فیلمسازان جوان و زنان به سینما باز شد. تاسیس موسسه فیلم (صدا و سیمای هند) در سال ۱۹۶۱ از مهم‌ترین کارهای هدفمند برای تولید

می‌کنم سینمای مستند به این دلیل خسته‌کننده است که سطح انتظار ما از آن محدود شده است. اگر انتظار بیشتری از مستند داشته باشیم، مستندهای خلاقانه‌تری می‌توان ساخت. هنر آن چیزی نیست که مردم دوست دارند و می‌خواهند. وقتی هنر شکل می‌گیرد که به شکل آوانگارد و خلاف جهت آب حرکت کنیم. مستندساز نباید در دام خواست مخاطب بیفتد. اگر سینمایی به این دام بیفتد دیگر اثری از هنر باقی نمی‌ماند و به همین دلیل یک کارگردان باید تا جایی که می‌تواند فاصله‌اش را با تهیه‌کننده زیاد کند تا بتواند خودش باشد.

خارجی‌ها به سینمای هند نگاه توریستی دارند؟
التفات شکری: من فکر می‌کنم خارجی‌ها به سینمای هند نگاه توریستی دارند شما چه فکری می‌کنید؟ به نظر من سینمای بنگال در سال ۱۹۸۰ مرد و داستان سینمای هند در این سال بسته شد و از آن به بعد هندی‌ها در سرزمین هند فیلم خارجی می‌سازند.

آمریت گانگار: من فکر نمی‌کنم که سینما در سال ۱۹۸۰ تمام شده باشد. چرا میکیو ناروسه را نمی‌بینید؟ یا مثلا ریتوی کاناگا؟ ریتوی کاناگا نایب‌رئیس سازمان سینمای هند بود که به دلیل مشکل بودجه هیچ‌وقت نتوانست از هند خارج شود. من با نیشتا موافقم. مشکل ما درآمدزایی از سینما نیست. مشکل عمده ما نبود بودجه است. من از تولیدات سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۳ حدود ۸۰۰ فیلم ارزشمند هند را جمع‌آوری کرده‌ام و به شکل آرشیو درآورده‌ام و این یعنی فیلم‌های خوبی هم وجود داشته‌اند.

نیشتا جین: نباید همه فیلم‌ها را با یک سنگ محک بسنجیم. به نظر من در سینمای ایران باید اسامی بزرگی مانند جعفر پناهی، عباس کیارستمی و اصغر فرهادی را کنار بگذاریم تا بقیه فیلمسازان دیده شوند. یک فیلمساز باید در کار خودش مراقبه داشته باشد و یک کار مشترک را با کشورهای دیگر به هر دلیلی نپذیرد. بعضی اوقات فرهنگ‌ها روی ما تاثیر گذاشته‌اند. ما حتی در کشور خودمان به زبان انگلیسی صحبت می‌کنیم. بهتر است در این زمینه سنت خود را از یاد نبریم. باید قبل از هر چیز ببینیم که می‌خواهیم به چه زبانی فیلم بسازیم.

فیلم و ترویج سینما بود. بعد از آن هم یکی از موفقیت‌های هند تاسیس جشنواره دو سالانه فیلم هند در سال ۱۹۹۰ بود که از آن به بعد همه ساله در ماه فوریه در هندوستان برگزار می‌شود اما این روزها با توجه به تمام این پیشینه فیلمسازهای هندی در شرایط خوبی نیستند و درآمد ندارند.

مشکل سینمای هند نداشتن بودجه است

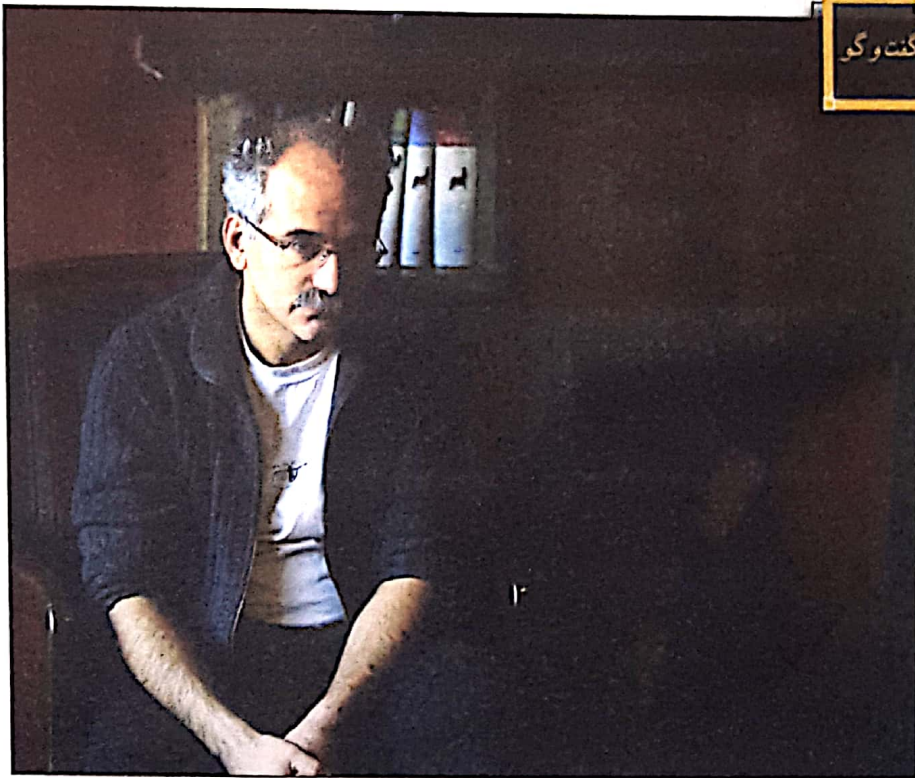
نیشتا جین: من فکر می‌کنم مشکل ما درآمد نیست، مشکل ما نداشتن بودجه برای شروع کار است. موسسه PSBT به مستندسازها بودجه می‌دهد؛ اما حمایت این موسسه در مقابل کاری که ما انجام می‌دهیم ناچیز است. در طی این پروسه و با این بودجه محدود زمانی برای تحقیق وجود ندارد و هدف از تشکیل این سازمان از ابتدا ایجاد محتوا برای تلویزیون هند بوده و نمی‌شود از آن توقع زیادی داشت. موسسه دومی که در این زمینه کمک می‌کند Films division است که به نظر من اکثر فیلم‌های آشنال از آن بودجه می‌گیرند و فیلم‌هایی که ایده‌پردازی‌های خوب دارند، بدون اسپانسر باقی می‌مانند. در کشور ما همه‌ساله صدها فیلم داستانی ساخته می‌شود، اما حرف تازه‌ای درباره فرهنگ هند ندارند.

مستند باید دارای وجوه زیبایی‌شناسی باشد

آنوپاما یسیر یوانا: به نظر من باید مستند را از حالت خبری خارج کنیم و به وجه زیبایی‌شناسی آن بها دهیم تا بتوانیم خلاق باشیم. من با نیشتا موافق هستم و فکر

Subject Quality and Docu-Drama Techniques

As a member of the Selection Committee, Bijan Mirbagheri talks about the quality of works sent to the 7th Cinema Verite Iran International Documentary Film Festival. Mirbagheri said, "The films in the genre of docu-drama were mostly acceptable and qualified enough, especially about their applied techniques. There are a lot of filmmakers who are interested in documentary filmmaking, particularly in drama genre. We should find a solution, so that such filmmakers can show their potentials in action. It was not difficult to choose among the films sent to the festival, as we had a clear, certain definition for this section."



جسارت و ویژگی بارز مستند داستانی‌ها

روایت بیژن میرباقری، عضو هیات انتخاب آثار مستند داستانی جشنواره هفتم از وضعیت فیلم‌های متقاضی حضور در این رویداد



رژا مقدم

r.moghadam@alumni.ut.ac.ir

جسارت در انتخاب موضوع

از طرف دیگر جسارت در انتخاب موضوعات هم دیده می‌شود. سوژه‌های انتخابی با آنکه در بین آن‌ها تکراری و کلیشه‌ای هم زیاد دیده می‌شد، اما باز سوژه‌های ناب و دست اول هم بودند. متأسفانه خیلی از مستندسازهای کشور دچار تکرار در موضوعات و سوژه‌ها شده‌اند و در این گرداب گیر کرده‌اند، به طوری که احساس می‌شود راهی از آن ممکن نخواهد بود.

جشنواره کافی نیست

هر جشنواره‌ای برای خود نقاط قوت و ضعفی دارد که فکر می‌کنم تا الان بسیاری از مسئولان و کارشناسان درباره آن صحبت کرده‌اند. برگزاری جشنواره به خودی خود اتفاق مهم و خوبی است. باعث می‌شود اعضای یک حوزه دور هم جمع شوند، با هم رقابت کنند، از داشته‌های یک دیگر بهره‌مند شوند و تجربه‌ای به دست آورند... البته این مسائل صرفاً با برگزاری جشنواره به دست نمی‌آید موارد دیگری هم برای اینکه یک جشنواره بازخورد خوبی داشته باشد لازم است.

ساخت فیلم‌های بدون تحقیق

آنچه که در سینمای مستند، من و بسیاری دیگر را آزار می‌دهد، عدم وجود تحقیق و بررسی مکثات تاریخی است. بعضی اوقات دیده می‌شود که یک فیلمساز، بدون هیچ دانش و اطلاعاتی دست به ساخت یک فیلم می‌زند. بهتر است کمی به این موضوعات پرداخته شود تا هر چه زودتر و سریعتر شاهد رشد و شکوفایی مستند به‌خصوص مستند-داستانی در کشور باشیم و بتوانیم با به عرصه‌های بین‌المللی بگذاریم و موفقیت‌های جهانی کسب کنیم.

مرور دیدگاه اعضای هیات انتخاب و داوران جشنواره هفتم سینما حقیقت نمودار خوبی از کیفیت آثار رسیده به جشنواره اسمال است. در سلسله گفت‌وگوهای نشریه روزانه با اعضای هیات انتخاب و داوران، این بار سراغ بیژن میرباقری رفتیم. این کارگردان که عضو هیات انتخاب بخش مستند داستانی بود، اعتقاد دارد فیلم‌های این بخش دارای استانداردهای قابل قبولی بوده‌اند. میرباقری در عین حال تأکید می‌کند اصل پژوهش در ساخت مستند همچنان جدی گرفته نمی‌شود.

تعریف اشتباه از مستند داستانی

تقریباً فیلمسازهای مستند داستانی تلاش خود را برای رعایت قواعد و تعریف‌های مشخص شده کرده بودند، اما با این حال در میان آن‌ها فیلم‌هایی هم وجود داشت که خارج از محدوده این قوانین ساخته شده بودند. مثلاً مستندسازی داشتیم که تصور می‌کرد چون از بازیگران حرفه‌ای و موضوعات عجیب و غریب استفاده کرده فیلم مستند داستانی ساخته، در صورتی که تعریف فیلم مستند داستانی این نیست. اینکه یک موضوع عجیب را برای ساخت فیلمی انتخاب کنند و نام آن را مستند بگذارند تعریف کاملاً غلطی است. برای همین چنین فیلم‌هایی به راحتی کنار گذاشته می‌شدند.

جسارت در سرمایه‌گذاری

خوشبختانه در فیلم‌ها جسارت و تنوع به خوبی دیده می‌شد که جای خوشحالی دارد. مخصوصاً اینکه در برخی موارد، این جسارت در سرمایه‌گذاری برای فیلم هم دیده می‌شد. جای امیدواری دارد که کسانی حاضرند بابت ساخت فیلم برای کارگردانی که چندان مطرح نیست، سرمایه‌گذاری کنند و امیدوارم چنین روندی با سرعت و تعداد بیشتری از نهادها، سازمان‌ها و افراد سرمایه‌گذار ادامه داشته باشد. چون داشتن سرمایه موجب می‌شود که خیلی از استعدادها شکوفا شود و سینمای مستند کشور در جایگاه خوبی قرار بگیرد.

سطح خوب مستندهای داستانی

بین مستندهای داستانی ارسال شده به دفتر جشنواره، فیلم‌های خوب زیادی وجود داشت و می‌شود گفت که تکنیک‌های به کار برده شده و مسائل فنی به خوبی در آن‌ها رعایت شده بود. سطح کارها نسبتاً بالا بود و به نفع آثار ارسالی در این بخش، ضعف چندانی نداشتند با این حال؛ اما ما محدودیت فیلمسازهایی که علاقه به ساخت فیلم مستند آن هم در ژانر داستانی دارند کم نیستند و باید فرصت‌های لازم برای به نمایش گذاشتن توانایی‌هایشان ایجاد شود.

انتخاب بر اساس قواعد خاص

هر کار برای اینکه درست انجام شود نیاز به رعایت یکسری اصول و قواعد دارد. اگر نه به درستی مسیرش را طی نخواهد کرد و موفقیتی نمایش نمی‌شود. درخصوص سینما و ساخت فیلم هم چنین موارد و مصادیقی وجود دارد. با توجه به اهمیت و جذابیت‌های بخش مستند فیلمسازها باید قواعد خاصی را رعایت می‌کردند؛ اما در بسیاری از آثار بنا به هر دلیلی این قواعد رعایت نشده بودند تا ضعف بسیاری در ساختارشان دیده می‌شد. برای همین بعضی اوقات، به راحتی مجبور می‌شدیم بعضی از آن‌ها را کنار بگذاریم. با وجود آنکه می‌دانستیم برای ساخت آن زمان، هزینه و زحمتهای زیادی صرف شده. با این حال انتخاب آثار دشوار نبود، چون برای این بخش تعریف خاص و مشخصی داشتیم. خوشبختانه در میان همین آثار پذیرفته شده آثار خوب و قابل قبول هم یافت می‌شد و آدم را ناامید نمی‌کرد.

ابوالفضل جلیلی

متولد..... ۱۳۳۶ ساوه
تحصیلات..... کارگردانی
آغاز فعالیت هنری..... ۱۳۵۲

آثار سینمایی

حافظ..... ۱۳۸۵
گل یا پوچ..... ۱۳۸۴
ایجد..... ۱۳۸۱
دلبران..... ۱۳۷۹
قصه‌های کیش، اپیزود دوم..... ۱۳۷۷
دان..... ۱۳۷۶
یک داستان واقعی..... ۱۳۷۴
دت یعنی دختر..... ۱۳۷۲
رقص خاک..... ۱۳۷۰
گال..... ۱۳۶۵
بهار..... ۱۳۶۴
میلااد..... ۱۳۶۳

افتخارات

حافظ

جایزه ویژه هیات داوران در جشنواره فیلم رم (۲۰۰۷)
نهمین جایزه ممتاز توکیو در جشنواره فیلم توکیو (۲۰۰۷)

ایجد

حضور در بیش از ۲۰ جشنواره بین‌المللی فیلم در اروپا،
آسیا و آمریکا

بهار

جایزه ویژه هیات داوران بهترین فیلم در چهارمین
جشنواره فیلم فجر

دان

جایزه ویژه هیات داوران بهترین فیلم در
چهل و ششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سن
سیاستین اسپانیا

رقص خاک

جایزه بهترین فیلم آسیایی در یازدهمین جشنواره
بین‌المللی فیلم توکیو
جایزه بلنکتره‌ای در بخش مسابقه سینمای نوین در
پنجاه و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم لوکارنو
جایزه هنر و تجربه در بخش مسابقه در پنجاه و یکمین
جشنواره بین‌المللی فیلم لوکارنو
جایزه معیضت بیست در بخش مسابقه در پنجاه و یکمین
جشنواره بین‌المللی فیلم لوکارنو

دلبران

جایزه دین‌کیشوت پنجاه و چهارمین جشنواره بین‌المللی
فیلم لوکارنو
جایزه ویژه هیات داوران پنجاه و چهارمین جشنواره
بین‌المللی فیلم لوکارنو

یک داستان واقعی

برنده جایزه بان طلایی جشنواره فیلم سه قاره نانت

مورد عجیب ابوالفضل جلیلی

زاویه دید

بعضی ترکیبها این قدر با دلیل و بی دلیل استفاده شده‌اند که آدم دلش نمی‌آید از آنها باز استفاده کند؛ هرچند جان مطلب را هم با خود منتقل کند. برای نوشتن درباره فیلمسازی که سال‌هاست فیلم‌هایش اکران نمی‌شوند اما مداوم فیلم می‌سازد و طول و عرض نقشه جغرافیایی را می‌بیماید هیچ ترکیبی بهتر از «مورد عجیب ابوالفضل جلیلی» سراغ ندارم. مورد عجیبی که تمام قواعد و رسوم مرسوم صنعت سینما را با شکل و تداوم فیلمسازی‌اش بهم ریخته است. شاید برای گفت‌وگو با جلیلی می‌نواستم آخرین انتخاب میان منتقدان سینمایی باشم؛ خاصه این که سبک سینمایی او طرفداران خودش را دارد و قطعا من در زمره‌شان نیستم. اما موضوع بحث، ماجرا را عوض کرد: «سینمای مستند». برای سینماگری که در تمام این سال‌ها (از سوی خیلی‌ها از جمله خود من) متهم بوده آثارش بیش از آن که «سینمای داستانی» باشند، در بهترین حالت «داکیو درام» هستند و تمهیدات فیلم‌های مستند صرف می‌زنند، این بهترین زمان واکاوی حسین مسالهای با حضور خود او بود. داستان البته چندان مطابق خواسته من پیش نرفت و جالسی هم درنگ‌رفت، چون کافی‌ست یک‌بار با ابوالفضل جلیلی بنشینید تا بفهمید فرصت صحبت و بحث به طرف مقابلش نمی‌دهد و چنان محضر گرمی دارد که این گفت‌وگو می‌نواست ۲۴ ساعت دیگر هم طول بکشد، بی‌آن که خاطره‌های پر از جریبات جلیلی حتی به پایان خودش نزدیک شود. **حسرو نقیبی**

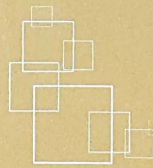
You Should Leave Reality to Face the Truth

Abolfazl Jalili, an international acclaimed Iranian film director, has confused everyone by breaking rules, traditions and all common features in cinema industry. To be honest, he is the best and strangest case for writing about a filmmaker whose films have not been released for many years, but he constantly keeps making films. This exclusive interview with Jalili was the best opportunity to explore his view towards filmmaking. For many years, he has been accused of making docu-drama tending towards pure documentaries and his works cannot be considered as fiction. Jalili, himself, explained, "Once I asked a friend of mine, who is a high rank official too, that why my films are not allowed to get released for public and he answered: Because your works are too real that everyone is going to believe them and as people believe your films, they can be considered as documentaries". Jalili also added, "Despite the way you think about my films, everything has been placed in the scene because of a certain reason; even if a butterfly is flying in the scene, it has its own reason and nothing is incidental in my cinematic works". "I don't film any scene, until I believe it completely. First, I myself should believe it and when I believe it I realize that's it and this scene looks bright in the world", Jalili mentioned. He describes his works as workshops through which he teaches whatever he knows to the others.



نموده. حالا هم که خواسته‌ام کاری سفارشی بسازم تصمیم گرفتمم بول فیلم را خرج معالجه آن بچه کنم. این طوری بود که با خدای خودم مشورت کردم و تصمیم گرفتم همین فیلمی را که می‌گوئید بسازم. البته خب چون بخش‌هایی از آن فیلم مربوط به قبل از آن لحظه بود و وجود نداشت مجبور بودم این بخش‌ها را بازسازی کنم و از آنجا به بعد را به شکل بنده و مستند رفتم. آن کشف و شهودی که درباره‌اش حرف زدم این جا این شکلی بود که با آن لحظه‌ام که بچه را

تصویر آدم‌ها ماسکه نیست و همجوری دید خودشان را تعظیم می‌کنند که بتوانند مرا ببینند. حالا اگر بخوای این را بجایی امکان ندارد توانی. انگیزه و نیاز بهترین میزانشن‌ها را می‌سازد. **این دریافت از کجا می‌آید؟ ذاتی بوده یا اکتسابی به دست آمده؟** فیلم‌های سینمایی من نمایش داده نمی‌شود. در نتیجه مخاطبی هم ندارند و همین‌طور به تبع آن، منبع درآمدی هم نمی‌تواند داشته باشد. این کارها که می‌کنم و فیلم‌ها می‌سازم



باید از واقعیت گذشت تا به حقیقت رسید



فهرست & اسپیدز Theaters سینما حقیقت - جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران - تهران-01-17 Dec 2013
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival
۱۶ آذر ۹۲ تهران
سینما سینما سینما

شاید غریب ترین واژه‌ای که ابوالفضل جلیلی در سنما می‌شناسد «گران» است. کارگردانی که جز در مواردی معدود آن هم در تلویزیون نتوانسته در تماشای آن چه جلوی دوربین می‌برد مخاطبان کشورش را هم سهمیم کند. در عوض در این نزدیک به سه دهه‌ای که از فیلمسازی‌اش می‌گذرد فیلم‌های «خاص» او که اتفاقاً شامتی‌انگار ناپذیر به مستندهای داستانی دارد، حساسی مورد توجه معیر ترین جشنواره‌های سینمایی هنری قرار گرفته است. جلیلی در گفت‌وگویی که پیش‌روی شماست از علت‌های به وجود آمدن فضای داکو درام در آن‌آزای که ساخته می‌گوید و جذابیت این گفت‌وگو هم در این است که این‌ها را در قالب خاطراتی که در زمان ساخت فیلم‌هایش گوشه‌های ذهنش نگاه داشته‌بیان می‌کند.

برای رسیدن به این حقیقت باید تحقیق کرد، سختی کشید و دانش را داشت. اگر این نوع فیلم مستند را بسازند و به ما نشان دهند مشخص می‌شود که تحقیق و کارگردان با دانشی پشتش هست اما اگر این‌طور نباشد به نظر من حتی واقعیت هم نیست، بلکه صرفاً وقایع‌نگاری است



مهنا همتی

شدم، چون همیشه برای میزانشن وقت زیادی می‌گذارم تا به پیش‌برد هدم نزدیک کند. اتفاقاً همه چیز در فیلم‌های من که گمان می‌کنید مستندسازی است، کاملاً دقیق چیده شده، طوری که اگر حتی یک پروانه از کادر رد نشده باشد، روی حساب است.

تا یعنی فضاهای مستند را بازسازی می‌کنید؟ چون این به همان تعریفی که از «داکو درام» داریم نزدیک است. بازسازی حقایق تاریخی با نزدیک کردن آن به جزئیات نمایشی تا جایی که اختیارات دراماتیک اجازه دهد. چنین کاری می‌کنید؟

گاهی پیش می‌آید من زمان فیلمبرداری، در یک روز فقط دو تا پلان می‌گیرم، چون همه چیز را دقیق و بر مبنای فهم و شعور خودم می‌چینم ولی بازی بازیگران را می‌سازم به گذر زمان وقتی همه چیز را آماده کردم یک مقننار کار را طول می‌دهم و صبر می‌کنم تا بازیگرم خسته شود. شبیه همین حالتی که الان شما مقابل من دارید. در صندلی‌تان فرو رفته‌اید و دیگر آن شکل رسمی دقیق اول را ندارید. تازه زمانی که بازیگر خسته شد در نقش جا می‌افتد، وقتی خسته شد می‌گویم حالا بگیریم، چون معنایم هیچ میزانشی بهتر از میزانشن خود طبیعت نیست. مثلاً وقتی می‌روم جایی سخنرانی کنم می‌پرسم همه مرا می‌بینند و وقتی پاسخ می‌شنوم که بله، می‌گویم این میزانشی است که طبیعت چیده چون هیچ‌جای

تا به من گفته‌اند موضوع بحث، سینمای مستند شماست اما تا جایی که می‌دانم کارنامه مستند شما چندان پررنگ نیست. تجربه‌هایی در دهه پنجاه دارید که هیچ‌کدامشان ابوالفضل جلیلی را در جایگاه کنونی‌اش قرار نداد. این فیلم‌های داستانی شماست که جایگاه کنونی‌تان در سینمای بین‌المللی از آن‌جا می‌آید. با این همه، همین فیلم‌های داستانی هم خیلی وقت‌ها به مستند تنه می‌دهد و جز چندتایی (به ویژه این متأخرها) همه‌شان را حتی می‌شود «داکو درام» دانست. چه قدر با این مرزبندی‌ها موافقت می‌کنید؟ اصلاً فکر می‌کنید فیلم‌هایتان زیر این عنوان‌های ژانری جمع می‌شود؟

من فیلم‌های زیادی ساخته‌ام که هیچ‌کدامشان اکنون نشده‌اند. از دوستی که اتفاقاً یک مقام مسئول بود دلیل مخالفت‌ها با نمایش عمومی فیلم‌هایم را پرسیدم، جوابی داد که جواب سوال شما هم هست. او گفت تو آن قدر طبیعی فیلم را درمی‌آوری که مردم باورش می‌کنند و چون باور می‌کنند فکر می‌کنند مستند است. می‌گفت من می‌توانم با فیلم‌هایم حرفی را که می‌خواهم در مغز مردم فرو کنم، اما در مورد فیلم کارگردان‌های دیگر این‌طور نیست؛ مردم می‌فهمند فیلم است و داستان آن بازسازی شده. خوب من از این تعبیر خوشحال

همین صحنه بدتر از آن یکه را عین روز اول انجام دهم. مثلاً کات می‌گذارم و در آن لحظه‌ای که قرار بود دوربین روی صورت بچه برود سیر می‌کردم و می‌گفتم یادت هست آن روز چی شد و به تو چی گفتم؟ همان‌ها را به خاطر بسیار و بگو چون من یادم رفته است. بعد او دقیق همه چیز را می‌گفت و من فیلمش را می‌گرفتم. این باعث می‌شد که همه چیز واقعی به نظر برسد. بعد صحنه‌های خودم را جدا می‌گرفتم و بیننده فکر می‌کرد که این مستند است و شب یک‌جوری واقعی هم بود.

تا یعنی یک‌جور به هم زدن سرز واقعبیت و داستان...

به‌نظرم عبور از واقعبیت و رسیدن به حقیقت است. چیزی که در سینمای ما نیست و من در سینما دنبال همینم. مثال بزنم. ما می‌رویم مستندی بسازیم از یک عملی که می‌گویند بد اخلاق است. ما سر کلاسش می‌رویم و می‌پرسیم معلم شما بد اخلاق است. بچه‌ها می‌گویند بله و می‌بینیم که این آقا سر کلاس هم واقعا بد اخلاق است. ما این را می‌گیریم و نشان می‌دهیم و می‌گویم واقعبیت را به تصویر کشیده‌ام، اما آیا این حقیقت است؟ نه، نیست. این واقعبیت ظاهری است. وظیفه هنرمندان این است که از این واقعبیت عبور کند و به حقیقت برسد، یعنی نشان دهد که چرا این معلم بد اخلاق است؟ بد اخلاق است، چون می‌گوید اگر یک لیخند بزند دیگر کسی درسش را انجام نمی‌دهد. پس حقیقت این است که ایشان بد اخلاق نیست، اما برای این که بچه‌ها را به علم و دانش یعنی هدف غایی‌اش برساند مجبور است زل بد اخلاقی را بازی کند. این تعریف حقیقت در سینمای مستند است و برای رسیدن به این حقیقت باید تحقیق کرد، سختی کشید و دانش را داشت. اگر این نوع فیلم مستند را بسازند و به ما نشان دهند مشخص می‌شود که تحقیق و کارگردان با دانشی پشتش هست اما اگر این‌طور نباشد به نظر من حتی واقعبیت هم نیست، بلکه صرفاً وقایع‌نگاری است.

اول خودم باید باور کنم

مادامی که چیزی را که می‌خواهم بگیرم باور نکرده‌ام، هیچ صحنه‌ای را نمی‌گیرم. اول باید خودم باور کنم و وقتی باورش کردم می‌فهمم که همین است و این صحنه در دنیا می‌درخشد. کارهای من یک ورکشاپ است؛ هر کاری را که می‌کنم به بچه‌ها هم یاد می‌دهم، چون مثل یک خانواده هستیم. همواره به آن‌ها می‌گویم هر چیزی که به دل خودت نشست به دل دیگران هم می‌نشیند البته این دل نشینی باید بعد از ریاضتی باشد که آدم می‌کشد و خودخواهی درونش را از بین می‌برد.

هستی، در حالی که من اصلاً نمی‌دانستم هرمان همه کیست. وقتی این نظر را دربارۀ خودم شنیدم، تازه رفته سواغ کتاب‌های هرمان همه اما چند صفحه از مهم‌ترین کتابش را که خواندم احساس کردم با افکار من جور در نمی‌آید. چون من یک ذهن کشف‌شهودی دارم؛ یعنی آن قدر فکر می‌کنم و با خودم بحث و مجادله می‌کنم تا پاسخ گره ذهنی‌ام را پیدا کنم.

تا این حال چیزهایی در فیلم‌های شماست که خیلی بعداً است چیده شده باشد. اگر هم باشد بازسازی همان واقعبیت در لوکیشن حقیقی ست. مثلاً در «دت یعنی دختر» وقتی...

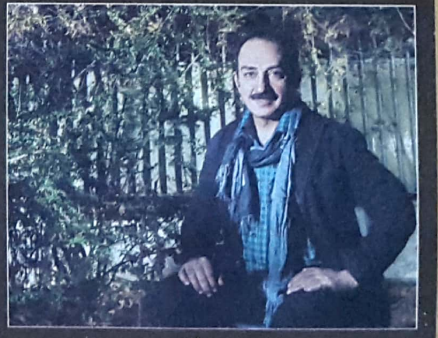
(قطع می‌کند) اصلاً در «دت یعنی دختر» که همه چیز دروغ محض است. من می‌خواستم یک سری نذر را به تصویر بکشم که زیبا باشد، اما واقعی هم نباشد؛ مثلاً به دختر قهرمان قصه این نقش را دادم که نذر کند اگر حالش خوب شود تمام موهای سرش را با پارچه‌های کوچک سبز پایبون پایبون گره بزند. وقتی نشستیم که این کار را انجام دهم دستیارم به من می‌گفت از آن‌جا که چنین نذری نداریم ممکن است غلو شود؛ اما من گفتم تصویرهایی که در ذهن من است غلوآمیز نمی‌شود. بعداً در ایتالیا این عکس را منتشر کرده بودند و نوشته بودند دخترک زیبای ایرانی، اصولاً فیلم‌های من در آن طرف دنیا به این معروف است که از زیباترین نوجوانان استفاده می‌کنم.

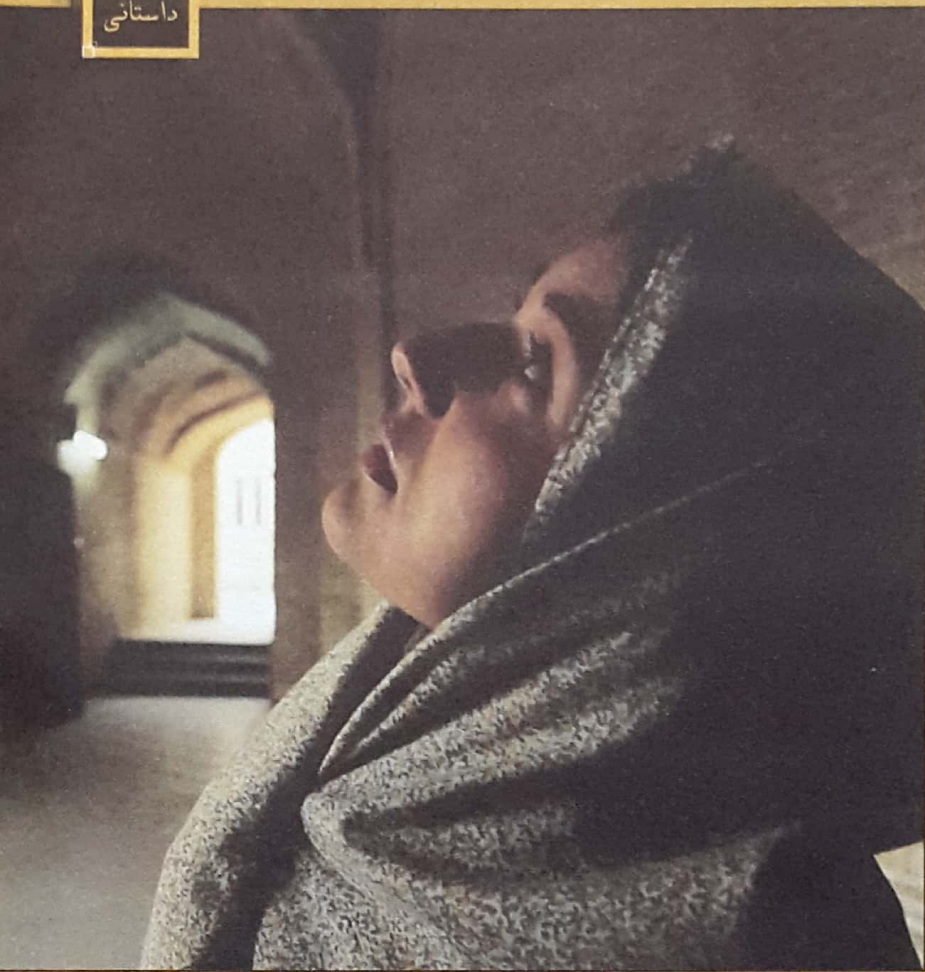
تا در مورد «یک داستان واقعی» چه طور؟ آن‌که دیگر تمام روند مستندش جلوی دوربین رخ می‌دهد. آن را که بازسازی نکرده‌اید...

آن‌جا دنبال بچه‌ای می‌گشتم برای بازی و به همه می‌گفتم دنبال چشماتی می‌گردم که قصه داشته باشند. بعد پسر بچه را پیدا کردیم، اما چون دچار یک بیماری سرطانی بود تصمیم گرفتیم هزینه ساخت فیلم را به درمان او اختصاص بدهیم. بعد فکر کردم همیشه هر چه که ساخته‌ام قابل بحث

حقیقت در فیلم و احترام مردم

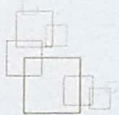
سر «یک داستان واقعی» نکته مهمی را کشف کردم. در فیلم‌های قبلی‌ام همیشه مردم می‌آمدند جلوی دوربین و خودنمایی می‌کردند ولی در این فیلم که همه چیز هم واقعی بود کسی جلوی دوربین نمی‌آمد که سکلک دریاورد. به این رسیدم که وقتی شما در فیلم حقیقتی باشد هیچ‌کس به خودش اجازه نمی‌دهد وارد حریم شما شود و سکلک دریاورد. وقتی یک اتفاق واقعی است، مثلاً در مطب دنبال بهبود یک بچه سرطانی هستی همه این واقعبیت را باور می‌کنند و دیگر کسی واکنش غیرطبیعی از خودش نشان نمی‌دهد.





۷۰ دقیقه با مرد خوش سخن

«فرگس مست» مستندی است درباره آثار عرفانی الهی قمشه‌ای. جمشید بهمنی کارگردان این مستند از ویژگی‌های آن و سختی‌های ساخت آن گفته است



mshayeste84@gmail.com

محمد صادق شایسته

جمشید بهمنی پس از ساخت آثاری چون «فرمانده»، «دست‌ساز»، «خون خنجر خیابان»، «میکائیل» و «نه یک اتفاق ساده» در تازه‌ترین اثر خود سراغ ساخت مستندی درباره زندگی استاد حسین الهی قمشه‌ای رفته است. این مستند ۷۰ دقیقه‌ای که «فرگس مست» نام دارد با استفاده از یکسری مصاحبه‌ها و یک طرح داستانی کلی به گوشه‌ای از آثار عرفانی این استاد می‌پردازد. الهی قمشه‌ای استاد خوش‌سخنی است که مضامین عرفانی و اخلاقی را با زبانی شیوا و استفاده از اشعار شیرین فارسی بیان می‌کند و همین باعث شده مخاطبان زیادی از طیف‌های مختلف جامعه شیفته‌اش باشند. بی‌شک دیدار با این استاد در اثری مستند جذابیت زیادی برای تماشا دارد. برای اطلاع بیشتر سراغ جمشید بهمنی رفتیم و با او درباره «فرگس مست» گفت‌وگو کرده‌ایم. این کارگردان در خلال مصاحبه نکات جالبی مطرح کرد که باعث شد مسیر گفت‌وگو کمی عوض شود.

مستندی در این خصوص را بدون کم شدن از جذابیت به یک مستند محض تبدیل کند. لزوم وارد کردن داستان به این مستند چه بود؟
دقیقا حرف شما درست است؛ اما همان‌گونه که گفتم من این کار را شروع نکردم بودم. زندگی عرفانی آقای الهی قمشه‌ای با توجه به تمام فراز و نشیب‌هایی که در آن دیده می‌شود به شدت قابلیت تبدیل شدن به یک مستند محض را دارد. به نظرم برای کاری که نیمه‌کاره رها شده بود و من باید به نوعی آبرومند تکمیلش می‌کردم استفاده از این شیوه بهترین راه‌حل بود.

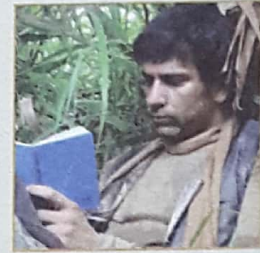
بیشتر نقدهایی که به آثار مستند به خصوص مستندهای داستانی می‌شود این است که کارگردان نمی‌توانسته سوز را به شکل محض جلو ببرد و برای

چه عامل و انگیزه‌ای باعث شد سراغ ساخت «فرگس مست» و زندگی استاد الهی قمشه‌ای بروید؟
ساخت این مستند را آقای داودی تهیه‌کننده کار به من پیشنهاد کرد. البته مصاحبه‌های این مستند را من انجام ندادم و دوست عزیزی قبلا این کار را انجام داده بودند و من فقط آن‌ها را یک مونتاژ اولیه کردم. بعد تهیه‌کننده کار متوجه شد که نمی‌شود این مصاحبه‌ها را به این شکل به نمایش بگذارد، بنابراین به من گفتند ایده‌ای در این خصوص بدهم. من هم طرحی داستانی را برای این فیلم ارائه دادم و پذیرفته شد و بعد هم سراغ عوامل رفتیم و کار ساخت این مستند آغاز شد.

زندگی استاد الهی قمشه‌ای دریایی از اتفاقات و نکات ریز و درشت جذاب است که می‌تواند هر

سیاسی اقتصادی

- فریادهای روهنگیا
- کارگردان: جواد مزدآبادی
- درباره فیلم: مستند داستانی «فریادهای روهنگیا» روایت خبرنگاری است که تلاش می‌کند به اردوگاه پناهندگان میانماری راه پیدا کند. فیلم به این بهانه فاجعه تلخ و دلخراش کشتار وسیع مسلمانان میانماری به دست مزدوران حکومتی را به تصویر می‌کشد.



قوم بی‌سوزمین

روایت جواد مزدآبادی از ساخت مستند فریادهای روهنگیا

فریادهای روهنگیا جزو مستندهای خیلی سخت است و در گونه مستندهای بحران قرار می‌گیرد. وقتی درباره سوزهای فیلم می‌سازید که هر لحظه خطرهای گوناگون عوامل و سازندگان آن را تهدید می‌کند فیلم در گونه بحران قرار می‌گیرد. فیلم در کشورهای قطر، مازنی، تایلند، لائوس و میانمار تصویربرداری شده است. این مستند به لحاظ امنیتی یا حساسیت زیادی روبرو بود و برای ساخت آن خطرات و دشواری‌های بسیاری را پشت سر گذاشتیم. به دلیل شرایط بحرانی که در آن زمان در میانمار وجود داشت به هیچ کس حتی توریست‌ها اجازه ورود به این کشور را نمی‌دادند و به همین دلیل مجبور بودیم تا راه‌های مختلفی را برای ورود به این کشور امتحان کنیم. در این راه هیچ ارگان و یا سازمان داخلی و خارجی هم نه تنها با ما همکاری نکرد که ما را از رفتن به این کشور منع می‌کردند. با این حال تمام اعضای گروه در هدف خود راسخ بودند و پس از تلاش فراوان و سفرهایی پرماجر و خطرناک به چندین کشور دیگر در نهایت به شکل قاجاق وارد این کشور شدیم. در این مسیر سخت‌ترین کار عبور از جنگل‌های مخوف و باتلاق‌های وحشتناک لائوس برای رسیدن به میانمار بود و در هر لحظه از حرکت در این باتلاق‌های خطرناک امکان حمله انواع جانوران وحشی از جمله تمساح‌ها وجود داشت. در مرز میانمار هم ناگهان با تیراندازی مرزداران و نیروهای امنیتی روبرو شدیم که تمامی این صحنه‌های خطرناک و بسیار جذاب و دیدنی در فیلم موجود است.

70 Minutes with a Well-Spoken Man

J arnshid Bahmani, the director of 'Narcissus of Topsy', presents a documentary about Dr. Hossein Elahi Ghomshei's mystic works. In an interview, Bahmani talked about the characteristics and difficulties of making such documentary. This 70-minute-documentary was made based on a series of interviews and a general plot which is about this great scholar's mystic works. Elahi Ghomshei is a well-spoken scholar who expresses the mystic and moral themes, using sweet Farsi (Persian) poems in an eloquent language. This is what has made different types of people in the society become fond of him. "The interviews in this documentary have been already carried by someone else. The producer realized that it's not possible to only use these interviews to finish the work. So, it was suggested to me to give an idea, then I offered my plot and it was accepted. After that, we start making the documentary formally", explained Bahmani. In his opinion, although Dr. Ghomshei's life has the potential to be created as 'pure' documentary, it was the only way to finish an incomplete work in a respectful way. Bahmani emphasized that it is not easy at all to make documentary films in Iran, as you are not allowed to depict any subject you want. If you are really able to make whatever you want freely, the very basic materials will tell you how much time you need to finish the work.



دینی و آیینی

خدا اشتباه نمی‌کند
کارگردان: بهروز نورانیچور
درباره فیلم: مستند «خدا اشتباه نمی‌کند» روایت زندگی دختری ترکمن است که پدر ساربان‌اش در حادثه‌ای بوسیله یکی از شترها کشته شده. او هم‌زمان با مراسم جهلم پدرش به بازخوانی سرگ وی پرداخته و در این راه به چرایی این حادثه پی می‌برد.



انسان اشتباه می‌کند

مستند چهل دقیقه‌ای «خدا اشتباه نمی‌کند» شهر بورما سال گذشته در ترکمن صحرا کلید خورد و در نهایت پس از سه ماه تلاش عوامل گروه آماده نمایش شد. نورانیچور در سفری به شمال کشور، از طریق یکی از اهالی محلی مناطق ترکمن صحرا پی به درگذشت یکی از ساربانان این خطه و آئینی جالب می‌برد. بازخوانی و روایت دختر از سرگ پدر با روزی خاص در ترکمن صحرا که از آن با نام روز آیین یاد می‌شود مصادف است؛ روزی که در جریان آن مردان این منطقه جشن‌های دینی و آیینی خاصی را برگزار می‌کنند و این مراسم پیوندی خاص و معنا دار با مرگ ساربان پیدا می‌کند. فیلم ساختاری کاملاً مستندگونه داشته و در عین حال که در لایه‌ای بیرونی روایتی جذاب با وجهی دینی را بیان می‌کند.

از نگاه کارگردان

ماجرای جذاب ساربان و شتر

جذابیت موضوع مرگ یک ساربان به وسیله شترش که مصادف می‌شود با برگزاری مراسمی دینی و آیینی در منطقه ترکمن صحرا بهانه و بستر مناسبی برای به تصویر کشیدن بخشی از آداب و رسوم اهالی این منطقه است. به نظرم بکر بودن سوژه و دعوت کردن انسان به فطرت خودش مهمترین ویژگی این فیلم است. فیلم براساس این دیدگاه ساخته شده که خلقت انسان براساس یک مدار آفریده شده که در آن هرکس در جای خودش قرار گرفته و هیچ کس جای دیگری را نخواهد گرفت. اما برای بیان آن دیدگاه‌های اخلاقی و دینی تا آنجا که می‌توانستم از شعارزدگی پرهیز کردم.

از مستندسازان ما توان ساخت مستند با بودجه شخصی خودشان را دارند؟ اصلاً چند نفر از آن‌ها می‌توانند مستند بلند و نیمه‌بلند بسازند یا سوژه‌های جذابی که دوست دارند را جلوی دوربین ببرند. فیلم‌سازی که مجبورند از جیب خودشان هزینه کنند بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه نمی‌توانند مستند بسازند و بسیاری از سوژه‌ها زمانی بیش از این را نیاز دارند، در این حالت مستندساز نمی‌تواند سراغ مستندهای جدی و بزرگ که ممکن است حتی یک سال او را درگیر کند برود. فقط سازمان‌های دولتی می‌توانند به او کمک کنند که آن‌ها هم خط‌قرمزهای فراوان خود را دارند.

این یعنی آثار بسیاری از مستندسازان ما دغدغه‌های خودشان نیستند و مجبورند به دلیل مسائل مالی یک مستند را بسازند؟

دقیقاً همین‌طور است. ایده‌های بسیار زیادی در ذهن بسیاری از ما مستندسازان وجود دارد که به دلیل همان مسائلی که گفتیم نمی‌توانیم آن‌ها را به مرحله تولید برسانیم. بعد مجبوریم این سوژه‌ها را برای تامین بودجه به جاهای دیگر ببریم که آن‌ها هم مدام می‌گویند این نمی‌شود، این نه، آن نه، این بد است، این به اهداف ما نمی‌خورد و بعد می‌گویی خب من می‌خواهم فیلم بسازم. می‌گویند این سوژه‌ها را داریم اگر می‌خواهی برو بساز. خب در این شرایط فیلمساز مجبور است برای این که از کار کردن عقب نیفتد کارهایی را بسازد که شاید هیچ علاقه و دغدغه شخصی به آن‌ها نداشته باشد. نبودن این علاقه و دغدغه در کارگردان مهم‌ترین ضربیه‌ای است که به بسیاری از فیلم‌های مستند امروز ما وارد می‌شود. واقعا نمی‌دانم این بحران چه زمانی دست از سر سینمای مستند برمی‌دارد و مستندسازان ما می‌توانند به آن سوژه‌هایی که دوست دارند بپردازند؛ ولی اگر مسرر همین باشد که الان هست در آینده نباید انتظار همین چند مستند قابل قبول و دیدنی که در سال تولید می‌شود را هم داشته باشیم.

این که بتواند در تایم طولانی تری کار را بسازد و چه داستانی را هم به اثر خود اضافه می‌کند و این یعنی زمان واقعی برخی مستندها این اندازه‌ای که نمایش داده می‌شود، نیست. شما با این مسئله موافقت می‌کنید؟

نکته اصلی این است که ساخت مستند در ایران خیلی کار ساده‌ای نیست. شما مجاز نیستید به هر سوژه‌ای آن‌طور که می‌خواهید بپردازید. اگر شما واقعا بتوانید کاملاً آزادانه سوژه‌های خود را جلو ببرید مواد خام اولیه خودشان به شما می‌گویند که چقدر زمان برای مستند شما کافی است، اما هم از لحاظ بودجه شما معمولاً با مشکل مواجه هستید هم از لحاظ خط‌قرمزها. مستندساز دوست دارد خیلی جاها برود، خیلی سوالات را مطرح کند و دنبال جوابشان برود، اما نمی‌تواند.

یعنی اگر به مستندساز آزادی عمل کامل داده شود، میزان دقایقی که او مستندش را می‌سازد بالاتر هم می‌رود؟

نه لزوماً. منظور من این است که اگر دست مستندساز باز باشد، می‌تواند تمام جوانب یک سوژه را بررسی کند و بعد با فشرده کردن درست اطلاعات مستند را تمام و کمال بسازد، حالا با هر تایمی که دارد. الان تایم تهیه مستند دست تهیه‌کننده‌هاست. تهیه‌کننده می‌گوید من برای این سوژه و به این میزان دقیقه فلان مقدار بودجه از تلویزیون گرفته‌ام، اما زمانی که مستندساز اثرش را جلوی دوربین می‌برد در طول کار متوجه می‌شود زمان موردنیاز برای درست برداشتن به سوژه بیش از زمان موردنظر تهیه‌کننده با کمتر از آن زمان است؛ ولی تهیه‌کننده مستندساز را موظف می‌کند که فلان میزان دقیقه به او تحویل دهد. در این حالت فیلمساز مجبور می‌شود تایم موردنظر را بر کند تا نظر تهیه‌کننده تامین شود.

ولی به نظر می‌رسد اگر مستندساز مستقل عمل کند چنین مشکلی برایش رخ نمی‌دهد. قطعاً همین‌طور است؛ ولی شما فکر می‌کنید چند نفر

An Indian Who Defends Borders of Iran

Mohammad Ali Sha'bani, who directed 'Without Nationality', tells a strange story about an Indian WIA (wounded-in-action) in his recent documentary. The person has been treated unkindly for many years. Sha'bani met the subject of his film very incidentally and seized this great chance to make a film about him.



انقلاب و دفاع مقدس



Felstein & Sepidh Theaters سینما حقیقت
Tehran 10-17 Dec 2013 جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سیما
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival سیما
سیما - فلسطین - سیما سینه

مهمترین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سیما
۱۹ تا ۲۴ آذر ۹۴ سیما
سیما - فلسطین - سیما سینه

یک هندی مدافع مرزهای ایران!

کارگردان مستند «ملی بدون کارت»، داستانی عجیب از جانبازی هندی روایت می‌کند که سالهاست مورد بی‌مهری قرار گرفته

محمد صادق شایسته

mshayeste84@gmail.com

«آمریک از راه هند به قصد تفریح به اروپا سفر می‌کرده است که سر نوشت مقصدش را لشکر ۴۱ تاراله رقم زد و در ایران ماندنی‌اش کرد.» محمدعلی شعبانی کارگردان جوان مستندساز به شکلی کاملا اتفاقی با جانبازی برخورد می‌کند و مستند زندگی او را می‌سازد. روایت این کارگردان را از فیلم «ملی بدون کارت» در ادامه بخوانید.

داده مواجه می‌شود و به این ترتیب وسوسه می‌شود یک فیلم مستند با محوریت زندگی‌اش بسازد.

خطر در کمین کارگردانها

شعبانی معتقد است در این گونه سوزه‌بایی‌ها دو خطر خیلی مهم برای کارگردان و مستندی که قرار است بسازد وجود دارد: «اول اینکه شما نباید محسور سوزه شوید، باید کمی با تامل به سمت سوزه رفت تا بتوان به حقایق و نکات مهم پیرامون او اشراف کامل پیدا کرد. به نظرم در این سوزه‌ها باید با طمانینه و آرامش کامل جلو رفت. رفتارهای هیجان زده که بیشتر مخصوص دانشجویان فیلمسازی است می‌تواند بزرگترین ضربه را به پرداخت درست سوزه بزند. هیجانات کاذب و سریع می‌تواند نتیجه پرداختن به یک سوزه را فقط تبدیل به یک گزارش خبری کند بدون اینکه ظرافت‌های مستندسازی در آن رعایت شود. نکته مهمتر این است که حتی در چنین موقعیت‌هایی شما باید با برنامه‌ریزی کامل جلو بروید یعنی به این گونه نباشد که مثلا تا جایی که وقت دارید فقط تصویر بگیرید به این امید که بعدا وقتی در اتاق مونتاژ

شاید مهمترین سئوالی که در وهله اول پیش می‌آید این باشد که شعبانی این سوزه را چگونه پیدا کرده است. او در این باره می‌گوید: «مدتی پیش مشغول ساخت مستندی بودم درخصوص مس سرچشمه. برای اینکه با فضای آن منطقه و مردمش بیشتر آشنا شوم با آن‌ها صحبت می‌کردیم تا اینکه یک بار در یکی از گفتگوها که صحبت ما به بحث جنگ کشیده شد. یکی از دوستان کاملا اتفاقی به ما گفت که رزمندهای هندی در آن جا ساکن است که در این سال‌ها به او خیلی محبت نشده است. ترتیبی داد که به دیدن آن رزمنده برویم. با این شکل که مثلا ما آمده‌ایم که با او ملاقات کنیم و مراتب احترام خودمان را به او برسانیم.» به گفته شعبانی وقتی او به دیدن این جانباز رفته امریک ابتدا خیلی ناراحت شده که چرا کاری که نهادهای مربوطه باید انجام دهند را شعبانی و تیمش به عهده گرفته‌اند. در صحبت‌های بیشتری که این کارگردان با امریک داشته با زندگی عجیب او و اتفاقاتی منحصر به فردی که برایش رخ

هستید از بین تصاویری که گرفتید قسمتهایی را گلچین کرده و تبدیل‌شان کنید به یک فیلم مستند جذاب.»

چوبی که لای چرخ جانباز گذاشته‌اند

با این حال شعبانی به واسطه ساخت این فیلم به شدت به امریک و خانوادهاش ابراز علاقه کرده: «این سوزه خارج از بکر بودن ظاهری‌اش ما را به دو فرشته واقعی نزدیک کرد. آدم‌هایی که فارغ از بحث ایران و جمهوری اسلامی و دین و مذهب و زبان به غایت انسان‌های شریفی بودند. یعنی هر آن چه شما از شریف بودن را به زحمت در بسیاری از آدم‌های امروز پیدا می‌کنید در این دو نفر به وفور پیدا می‌شد. این آدم مشکل اعصاب و روان هم داشت و گاهی خسته و عصبی هم می‌شد این مشکل به حدی بود که گاهی ما را فراموش می‌کرد یا یادش می‌رفت که دیروز در چه زمینهای با هم صحبت کردیم؛ اما چیزی که همیشه در او وجود داشت یک نوع صفا و صمیمیتی بود که همیشه در او می‌دیدید.»

آرزویی وابسته به یک پاسورت

آمریک پس از اینکه مسلمان شده نامش را به محمد حیدری تغییر داده ولی الان در شرایط بسیار اسفناکی زندگی می‌کند. به گفته شعبانی امریک کلیه‌اش خراب شده اما انجمن بیماران کلیوی نه تنها کلیه‌ای به او اهدا نکرده بلکه حاضر نشده‌اند به او کلیه بفروشند چون او یک خارجی است! اما این تنها مشکل امریک نیست: «آمریک دو تا پایش را در جنگ از دست داده، نزدیک به ۱۰ ترکش در بدن او وجود دارد، شیمیایی اعصاب و روان هم هست. شاید با این آدم در لایتیک‌ترین کشورها هم چنین برخوردی نمی‌کردند. قضیه برایتان دردناک‌تر هم می‌شود وقتی بدانید کارت ۷۵ درصد جانبازی این آدم را گرفته‌اند و گفته‌اند هر جا نیاز داشتی به تو نامه می‌دهیم و نامه‌ای که به او دادند نامه ۵۰ درصد بوده است.»



زندگی عمویداله و همسرش

مرتضی زنجانی روایتی جالب از چگونگی زندگی زوجی که نسلان عنوان کرده

مرتضی زنجانی

سال گذشته در حین ساخت فیلمی مستند با زوجی که نسلان آشنا شدم که در روستایی دورافتاده در منطقه لواسان زندگی می‌کردند. پیرمرد که برای سوسمین بار ازدواج کرده بود از طریق کارهایی چون جمع‌آوری گردو یا چوب، امورات زندگی‌شان را می‌گذراند اما از آنجا که همسر وی کاملاً شهری بوده و در تهران بزرگ شده به هیچ عنوان با فضای زندگی در روستا آشنایی نداشته و این موضوع تضاد جالبی را در زندگی آن‌ها به وجود آورده بود. احساس کردم این تضاد در یک خانواده روستایی قابلیت تبدیل شدن به یک مستند را داشته و درامی که بین آن‌هاست می‌تواند جذابیت‌هایی را هم برای مخاطب داشته باشد. این فیلم ۳۶ دقیقه‌ای روایت و ساختاری کاملاً مستند دارد و سعی کردیم بدون هیچ دخالتی برای بیننده به تصویر بکشیم. فیلم جذابیت‌های زیادی برای بیننده دارد. فیلم در کنار این موضوع و به بهانه زندگی آن‌ها، اشاره‌ای هم به وضعیت اقتصادی روستاییان و شرایط کشاورزی کشور در سال‌های گذشته دارد. اینکه با وجود تنوع و قابلیت‌هایی که کشاورزی ایران دارد به دلیل شرایط نامساعد، مجبور به واردات حجم زیادی از مواد غذایی به کشور بوده‌ایم. از این منظر این مستند هشداری به مسئولان کشور نیز خواهد بود.

مستند علمی، زیست محیطی

روزگار تلخ یک دریاچه

مستند «بانوی ارومیا» روایتی شاعرانه از سرنوشت دریاچه رو به زوال ارومیه است

«بانوی ارومیا» مستندی تجربی درباره دریاچه رو به زوال ارومیه است و نگاهی کاملاً شاعرانه به این بحران زیست محیطی دارد. در این فیلم، راوی، خود دریاچه است که شخصیتی انسانی داشته و از زبان یک زن روزگار تلخ‌اش را روایت می‌کند. فیلم به این بهانه همچنین نگاهی به اسطوره‌ها دارد؛ اسطوره‌هایی مانند آب و آتش و آیین‌های بومی منطقه آذربایجان که همیشه در کنار دریاچه برگزار می‌شود. «بانوی ارومیا» هفتمین مستند محمد احسانی، کارگردانی است که از سال ۸۱ وارد این عرصه شده است. فیلمسازی که البته به گفته خود، بیشتر به موضوعات اجتماعی علاقه داشته و «بانوی ارومیا» نخستین مستندش در حوزه محیط زیست محسوب می‌شود. محمد احسانی، کارگردان این مستند درباره ساختار این مستند ۳۰ دقیقه‌ای می‌گوید: «هرچند «بانوی ارومیا» دارای پس‌زمینه زیست محیطی است و برای بخش علمی، زیست محیطی جشنواره پذیرفته شده اما به دلیل ساختار ویژه‌اش بیشتر به سینمای هنری تعلق دارد.»



مستند قوم شناسی

کوچ

کارگردان: علی احمدی زرین‌کلاهی
 درباره فیلم: مستند «کوچ» ساخته علی احمدی زرین‌کلاهی بررشی از یک خانواده پرجمعیت ساکن یکی از روستاهای مازندران است که با دامداری زندگی خود را سپری می‌کنند.



مشقات یک خانواده

علی احمدی زرین‌کلاهی

زمانی که برای انجام یک مأموریت کاری به مناطقی در شمال کشور سفر کرده بودم مادر و دختری را دیدم که با جدیت و سخت کوشی فراوان به کشاورزی و دامداری مشغول بودند. تلاش آنها که همپای مردان کار و تلاش می‌کردند برایم بسیار جذاب بود و زمانی که با کل اعضای این خانواده پرجمعیت آشنا شدم دریافتم که روایت زندگی این خانواده سوزه خوبی برای ساخت یک مستند است. زمانی که ایده ساخت فیلم را مطرح کردم اعضای این خانواده مخالفت کردند و اجازه وارد شدن به حریم خصوصی‌شان را به ما ندادند. چهار سال طول کشید تا سرانجام آن‌ها را به این کار راضی کردم و در نهایت بدون هرگونه دخل و تصرفی در زندگی آن‌ها، فیلمبرداری را انجام دادیم. براین اساس دوربین در مقام یک مشاهده‌گر با این خانواده پرجمعیت و سخت‌کوش همراه شد تا شیرینی‌ها و تلخی‌های زندگی یک خانواده روستایی را که بدون پدر، با تلاش شبانه‌روزی در عرصه‌های اقتصادی و تحصیلی موفقیت‌های زیادی را به دست می‌آورند، به تصویر بکشند. هر چند این خانواده در زندگی‌شان سختی و مشقات زیادی را پشت سر می‌گذارند؛ اما فیلم در کل فضایی امیدبخش، سرزنده و شاد دارد.



Don't Lose Your Chance to Watch the Best!

Here, you can follow the name of most popular films praised in different international film festivals around the world: 'Plot for peace' directed by Mandy Jacobson, Carlos Agulló. This is the untold story behind History, a well-kept secret behind the world wide icon: Nelson Mandela. 'Father and Son' directed by Pawel loziński is a bold family experiment. Two film directors, two cameras, one journey. 'Rogalik' directed by Pawel Ziemliski presents traveling among people and objects, we discover an ugly and unattractive world. This dream-like journey is not a dream. 'The Arbor' directed by Clio Barnard. It is about a street in Bradford, Northern England known as "the Arbor" left an indelible impression on playwright Andrea Dunbar. 'The Voices' directed by Mariam Ohanyan presents works of art by female painters in their own words.

aida.tadayon@gmail.com

جدیدین

فیلم کوتاه



در جست و جوی یک زندگی تازه
 روگالیک

از فیلم‌های به نمایش درآمده در بخش کوتاه می‌توان به «روگالیک»، «اسامو»، «تنهایی صدا»، «خودسیر و اجوج»، «پوتو، چگونه متفاوت رفتار می‌کند»، «بچه‌های سودوم»، «برای من خورشید هرگز شروب نمی‌کند»، «آن لحظه را به من پس بده»، «سبکی سنگ»، «راز دوچرخه»، «الماز»، «آقای سبیزین روبل»، «تکسکی»، «روگالیک»، «خاندام بدون من»، «قلمرو»، «ساحه باور من است»، «زندگی در فضا» و «عاشورا» اشاره کرد. «روگالیک» به نویسندگی و کارگردانی پاول زیمیلسکی در ۱۶ جشنواره معتبر دنیا موفق به کسب جوایز افتخارآمیز شده است.

نیمه بلند



پدر به روایت پسر
 پدر و پسر

فیلم‌هایی که در بخش نیمه‌بلند به نمایش درآمدند عبارتند از: «در دروازه‌های بهشت»، «صدای درون»، «صادر ۲۴/۷»، «قلب باز»، «مفهوم ضمنی خشم»، «یورزیت»، «علم روشنایی است»، «ویروس سارس»، «هویت بوستنیایی»، «پدر و پسر»، «از نیویورک با عشق» و «جویندگان نمک در خلیج». اما در این میان سهم «پدر و پسر» از جوایز و افتخارات بین‌المللی بسیار چشمگیرتر است. پاول لوزینسکی کارگردان این اثر نیمه‌بلند، در روزهای جشنواره در ایران حضور یافت تا در کنار مخاطب ایرانی به تماشای فیلم خود بنشیند.

فیلم‌های بلند



در بزرگداشت ماندلا
 نقشه صلح

«کریم، قهرمان ورزشی»، «کاخ»، «مدرسه استارک»، «قطعه گمشده»، «خانواده خود را از ما اجاره کنید»، «بازی آدم‌کشی»، «بوحرز»، «دارودسته صورتی‌پوش»، «نقشه»، «سفر به انتهای جهان»، «مقیاس انسانی»، «افغانستان من» و «نقشه صلح» از آفریقای جنوبی، از جمله فیلم‌های بلندی بودند که در جشنواره فیلم امسال به نمایش درآمدند و در میان این فهرست «نقشه صلح» که یکی از فیلم‌های پرافتخار این دوره از جشنواره نیز به شمار می‌رفت، با استقبال گسترده تماشاگران روبه‌رو شد.

فرجام تلخ خانم نویسنده



فیلم‌های مستند داستانی که در جشنواره امسال به نمایش درآمدند عبارتند از: «یک، نامزد ریاست جمهوری»، «این مستند نود دقیقه‌ای درباره تلاش‌های بی وقته زنی اثریشی است و هوشنگ الهیاری کارگردانی آن را برعهده داشته. شادی فراتر از یک بازی» به کارگردانی «گوران ماتیک» از لایه‌های پنهان زندگی یک قهرمان ورزشی پرده برداشته، آخرین و پرافتخارترین فیلم این بخش نیز «خیابان آرپور» نام دارد. این مستند نود دقیقه‌ای (محصول انگلستان) با زندگی نویسنده‌ای با استعداد در ارتباط است که به طرز ترازیک در سن ۲۹ سالگی درگذشت.

اعتراض هنرمندانه زنان نقاش



«صداه»، «دوستان و خویشاوندانم»، «آغاز» و «بازگشت، جزیره متروک» از جمله آثاری بودند که در بخش «میراث مشترک» به نمایش درآمدند. مستند ۱۵ دقیقه‌ای «صداه» پرافتخارترین اثری است که برای تماشاگران این بخش به روی پرده رفت. این اثر کوتاه، نمایش آثار هنری زنان نقاشی است که سعی دارند از طریق زبان هنر و تصویرگری مسائلی نظیر زن و جامعه، هویت زنانه و جنسیت را به نمایش بگذارند و از دغدغه‌های بنیادین خود پرده بردارند. مریم اوهانیان این فیلم مستند را کارگردانی و تولید کرده است.



Don't Lose Your Chance to Watch the Best!

Here, you can follow the name of most popular films praised in different international film festivals around the world: 'Give up Tomorrow' directed by Michael Collins, Marty Syjuco is not your usual suspense story of a man wrongly accused, and Paco Larrañaga is not your usual hero. 'Fishermen' directed by Viktoria Marinov is a tale about a struggle of a traditional fishermen. 'Forget me not' directed by David Sieveking portrays the domestic care of his mother who is suffering from Alzheimer. 'Michael H. Profession: Director' directed by Yves Montmayeur depicts that how Michael Haneke established himself as one of the most important directors in cinema history. 'The Sound of Old Rooms' directed by Sandeep Ray traces the life of an Indian man who juggles his desire to be a poet.

زیستگاه من



مصایب مردان دریا
ماهی‌گیرها

فیلم‌هایی که امسال در بخش زیستگاه من به نمایش درآمدند به ترتیب «نقلاب»، «ماهی‌گیرها»، «کیوت‌مرد»، «لاکرو»، «صدف‌های دوست‌داشتنی» و «هوتل ۲۵۵۷۲» نام دارند. در میان فیلم‌های این بخش، «صدف‌های دوست‌داشتنی» و «ماهی‌گیرها» بیشترین جوایز را در کارنامه افتخارات خود به ثبت رسانده‌اند. مستند ۷۹ دقیقه‌ای «ماهی‌گیرها» را ویکتوریا مارینف کارگردانی کرده است. این فیلم قصه مبارزه و تقلاي ماهی‌گیران سنتی را روایت می‌کند که سعی دارند از تأثیرات مهلک سیاست‌های جان سالم به‌دربرند.

ویژه



می‌خواهم زنده بمانم
مرد بدون آینده

«مرد بدون آینده»، «ما بی‌ادب نیستیم»، «خاک برگ»، «تجات صورت» و «قهرمان کمب» از جمله فیلم‌های منتخب در بخش ویژه بین‌الملل جشنواره امسال بودند. در این میان، مستند تأثیرگذار «مرد بدون آینده» که محصول همکاری مشترک مایکل کالینز و مارتی سیجو کو است بیشترین تعداد افتخارات را از معتبرترین جشنواره‌های بین‌المللی فیلم به خودش اختصاص داده است. در این اثر مخاطب بین واقعیات و احساسات، شواهد و پیش‌داوری‌ها سرگردان می‌شود. چه کسی می‌داند پاکو تاوان کدامین جنایت را پس می‌دهد.

پژنده



در ستایش هنرمندی بی‌همتا
میشاییل‌هانکه، حرفه: کارگردان

مستندهای پرتنه‌ای که در جشنواره امسال مورد استقبال گرفتند عبارتند از: «جست‌وجو برای اماک باکیا»، «پیشگام»، «اسارت»، «پهلوه‌پهلوه»، «انتخاب بازیگر» و «میشاییل‌هانکه، حرفه: کارگردان». در میان این نام‌ها، دو فیلم آخر به کارگردانی تام دوناهو و ایو مونمایر از جمله فیلم‌های پرافتخاری بودند که با استقبال تماشاگران روبه‌رو شدند. ایو مونمایر که خودش نیز همزمان با نمایش فیلمش در جشنواره حضور داشت، در این مستند، پرتنه‌ای از زندگی حرفه‌ای شگفت‌انگیزترین فیلمساز معاصر ارایه داده است.

آدم‌های متفاوت از نسل اینترنت ————— ما شاعریم

فیلم‌هایی که در بخش چشم‌انداز جشنواره مستند شفیلد به روی پرده رفتند نیز عبارتند از: «سلما»، «پروژه استوارت‌هال»، «گوگل و مغز جهانی»، «ما شاعریم» و «مکن فراموش مرا». در میان فیلم‌های یاد شده، مستند ۸۲ دقیقه‌ای «ما شاعریم» روایتگر داستان محرک و رادیکال دوران جوانی، هنر و آزادی بیان است. بیشترین افتخارات را در جشنواره‌های بین‌المللی سراسر دنیا به خود اختصاص داده است. این اثر بلند را الکس رامزیر-باخ و دنیل لوجسی به طور مشترک کارگردانی کرده‌اند.



گوش سپردن به رد پای گذشته ————— صدای اتاق‌های قدیمی

از جمله آثار مستند سینمای هند که در بخش بین‌الملل جشنواره امسال به روی پرده رفتند، عبارتند از: «بهادر دلاور واقعی»، «دهانانچی کولکاری چندراگوپت»، «کارگردان، نقاش: شری صاحب»، «مایانگ: افسانه/واقعی»، «بی‌قدرت»، «پربشانی»، «صدای اتاق‌های قدیمی»، «زنان با کلاه بره»، مستند ۷۴ دقیقه‌ای «صدای اتاق‌های قدیمی» به کارگردانی و نویسندگی ساندیپ ری، از جشنواره‌های معتبری نظیر جشنواره فیلم پوسان، سیدنی و کپنهاگ موفق به کسب جایزه شده و پرافتخارترین فیلم این گروه به شمار می‌رود.

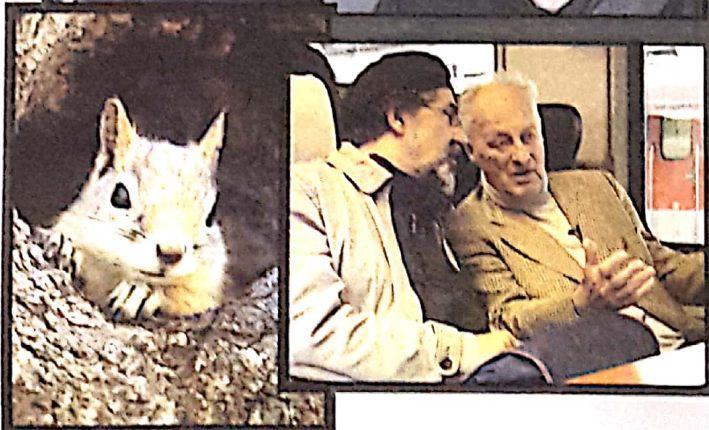
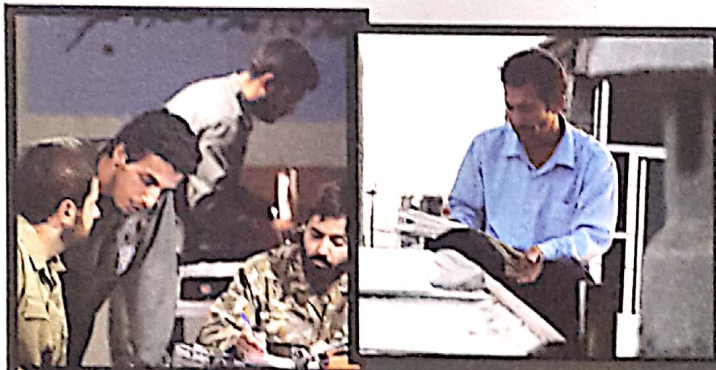


کاشانه

ویژه نامه نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
 تهران ۱۰-۱۷ دسامبر ۲۰۱۳
 The 7th CINEMA VERITE IRAN International Documentary Film Festival
 سینما فلسطین - سینما سپیده

پایان جشن مستندسازان

هفتمین جشنواره بین المللی سینما حقیقت پس از هفت روز نمایش فیلم و برپایی برنامه‌های جنبی با اعلام برگزیدگان بخش‌های مختلف تمام شد. جشنواره‌ای که از نظر حضور آثار باکیفیت و استقبال مردمی توانست رکوردی مالب توجه در کارنامه هفت ساله‌اش ثبت کند



هفت سال برای یک جشنواره سن زیادی نیست. جشنواره سینما حقیقت اما با همین سن کم تبدیل به رویدادی شناسنامه‌دار و معتبر شده و حالا بعد از فجر شناخته‌شده‌ترین فستیوال سینمایی کشور ما است. ازدحام فراوان علاقه‌مندان در سینماهای سپیده و فلسطین در طول یک هفته برپایی جشنواره گواه صادقی است بر جایگاه و اهمیت سینمای مستند. کالی بود گذرمان به این دو سینمای افتاد تا شور و اشتیاق فراوان مردم علاقه‌مند را شاهد باشیم. لایه‌لای رسانه‌ها (از طیف‌های مختلف فکری) بر بود از خبر استقبال از جشنواره و تاکیده‌های فراوان بر توجه بیشتر به فیلم‌های مستند.

یک هفته علاقه‌مندان دور هم جمع شدند، فیلم دیدند، گپ زدند و از حال روز مستند گفتند. چهره‌های زیادی به تماشای فیلم‌ها نشستند از مردم عادی، فیلمسازان، دانشجویان، منتقدان و اصحاب رسانه تا سیاستمدار محبوبی چون سید محمد خاتمی.

و بالاخره پس از یک هفته فعالیت مستند، فیلم‌های برگزیده اعلام شدند. طبیعا برگزیدگان خوشحال‌اند، اما مهم‌تر از جایزه و تشویق، دیده شدن است. مستندساز می‌خواهد راوی صادق جامعه باشد و چه چیزی برای او مهم‌تر و ارزشمندتر از دیده شدن؟ این جمله‌ای کلیدی است که فیلمسازان از هر نسل بر آن تاکید دارند. آن‌ها بازاری برای عرضه متاع‌شان می‌خواهند و از آن سو مشتاقان دنبال فرصت و جایی برای نمایش مستند هستند. هم رئیس سازمان سینمایی و هم دبیر جشنواره از آینده‌ای خوب برای رونق سینمای مستند نوید می‌دهند. و حالا روز از نو، روزی از نو...

همه برندگان تندیس

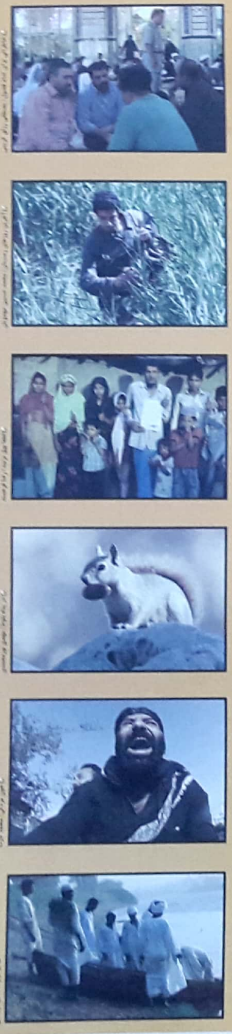
مستند «فاطراتی برای تمام فصول» با دریافت سه جایزه رکورددار کسب بیشترین جوایزه جشنواره هفتم سینما مقیقت شد. «لطفاً بوق بزنید»، «فون مردگی»، «در پناه بلوط» و «کمی بالاتر» هرکدام با دو جایزه در رتبه بعدی قرار گرفتند.

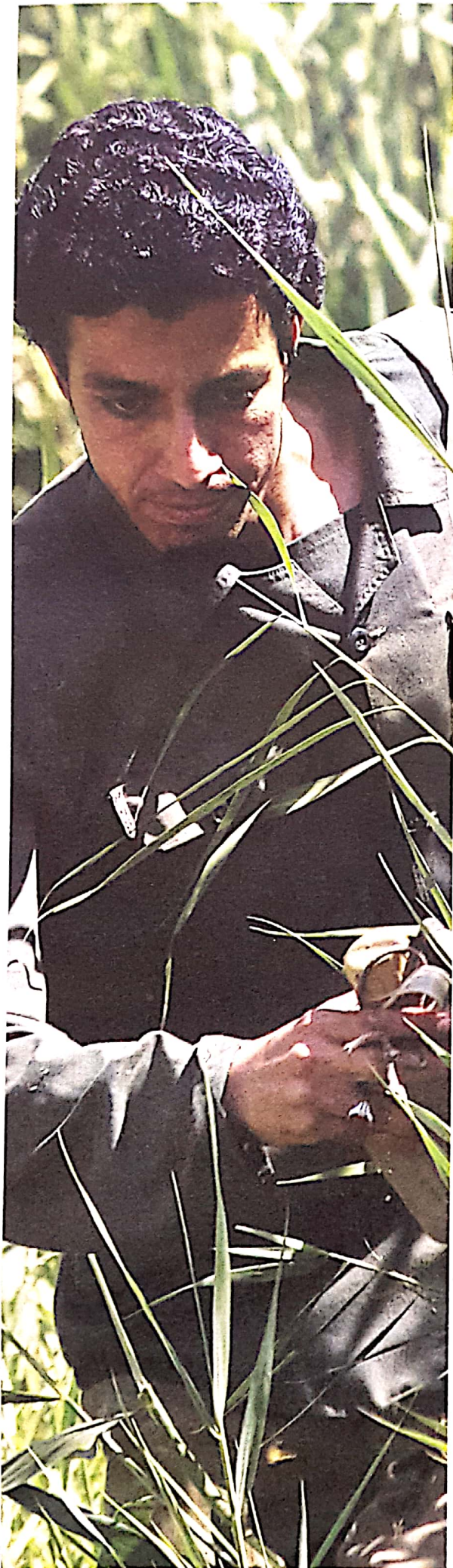
برگزندگان هفتمین جشنواره بین‌المللی سینما مقیقت از سوی هیات داوران معرفی شدند. مستند «فاطراتی برای تمام فصول» به کارگردانی محمطفی رزاق کریمی موفق به دریافت سه جایزه شد و توانست رکورد کسب جوایز را به نام خود ثبت کند. این فیلم مستندی تک‌ان دهنده درباره جانباختن شیمیایی هشت سال دفاع مقدس است.



سیاسی - اقتصادی	پرتره	تاریخی	دینی و آیینی	علمی و زیست‌محیطی	فوق‌طبیعی
فیلم تانامی برای دخترم سمیه کارگردان: مرتضی پاشنه‌ش جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	برای گوناگین بهشت نیست کارگردان: غلامرضا نعمت‌پور جایزه: لوح تقدیر / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	شاهجهان کارگردان: حسن نقاشی جایزه: لوح تقدیر / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	لطفاً بوق بزنید کارگردان: رضا فرمند جایزه: لوح تقدیر / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	پرنده‌گان در سوزمن برف و آفتاب کارگردان: محمطفی رزاق کریمی جایزه: لوح تقدیر / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	هیات داوران در این بخش هیچ فیلمی را واجد دریافت جایزه بهترین کارگردانی اعلام نکرد.
داستانی	کوتاه	نیمه‌بلند	بلند	جایزه ویژه هیات داوران	جایزه بزرگ جشنواره
آخرین روزهای رمضان کارگردان: محمدحسن مهدویان جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	خان آخرا گل‌اندام صغری جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / مبلغ یکصد میلیون ریال	لطفاً بوق بزنید کارگردان: رضا فرمند جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / مبلغ یکصد میلیون ریال	در پناه بلوط کارگردان: مهدی نورمحمدی جایزه: لوح تقدیر / دیپلم افتخار / مبلغ یکصد میلیون ریال	کمی بالاتر کارگردان: لیمان خالدی جایزه: تندیس جشنواره / دیپلم افتخار / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	فاطراتی برای تمام فصول تهیه کننده: مریم رزاق کریمی جایزه: نشان شرفروزه / دیپلم افتخار / مبلغ یکصد و سیست میلیون ریال
انتقال‌یاسلامی و دفاع‌مقدس	مستندهای بلند	مستندهای کوتاه	مستندهای نیمه‌بلند	مستندهای بلند	مستندهای کوتاه
فاطراتی برای تمام فصول کارگردان: محمطفی رزاق کریمی جایزه: لوح تقدیر / مبلغ ۷۰ میلیون ریال	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار

مستندهای بلند	مستندهای کوتاه	مستندهای نیمه‌بلند	مستندهای بلند	مستندهای کوتاه
بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار	بهترین فیلم کارگردان: وین یادولا محصول آمریکا دلیل دریافت جایزه: به خاطر ساختار سینمایی عالی، سبک روایی آنتیک و گرامر و بیان فاطر مکتفک فریب‌تر از آن جایزه: تندیس جشنواره / لوح افتخار / جایزه نقدی ۳۰۰۰ دلار





Winners of the 7th Cinema Verite International Film Festival

Aida Tadayon

aida.tadayon@gmail.com

The documentary film, "Memories for All the Seasons", set the festival record by receiving three awards in the 7th Cinema Verite Iran International Documentary Film Festival. "Please hoot!", "Bruises", "Under the Oak" and "Moving Up" finished in second place. Also, the winners of the festival were introduced by the jury panel. "Memories for All the Season" directed by Mostafa Razagh Karimi received three awards and set a new record for winning the maximum number of awards among all candidates. It is a very impressive documentary film about chemically injured soldiers in Iran-Iraq War. "Please hoot!" by Reza Farahmand, "Bruises" by Mohammad Kart, "Under the oak" by Mehdi Nour-Mohammadi and "Moving Up" by Loghman Khaledi took second place by receiving two awards. Moreover, the jury panel did not dedicate any award for the 'Best Director' in the Ethnographic Documentary Section.



Winners of the National Competition Section (Part One)

The Best Political – Economical (Special Section) film Award won by "An Unfinished Film for My Daughter Somayeh" directed by Morteza PayehShenas. The Best Docu-Drama Award won by "The Last Days of Winter" directed by Mohammad Hossein Mahdavian. The Best Islamic Revolution and the Holy Defense Documentary won by "Memories for All the Seasons" directed by Mostafa Razagh Karimi. The Best Social Documentary Award won by "Bruises" directed by Mohammad Kart.



Winners of the National Competition Section (Part Two)

The Best Portrait Documentary Award won by "There Is No Paradise for Gunga Din" directed by Gholam Reza Nematpour. The Best Historical Documentart Award won by "Shah-Jahan" directed by Hassan Naghashi. The Best Religious and Rituals Documentary Award won by "Please hoot!" directed by Reza Farahmand. The Best Short Documentary Award won by "The Last Stage" directed by Golandam Safari. The Best Mid-length Documentary Award won by "Please hoot!" directed by Reza Farahmand.



The Best Technical Achievement (in National Competition Section)

The Best Full-length Documentary Award won by "Under the Oak" directed by Mehdi Nour-Mohammadi. The Special Jury Award won by "Moving Up" directed by Loghman Khaledi. The Grand Festival Award won by "Memories for All the Season" directed by Mostafa Razagh Karimi. The Best Technical Achievement (in National Competition Section): The Best Editing Award by "Sadegh Rezania" for "Under the Oak". The Best Research Award won by Ali Mohammad Ghassemi, the researcher for "The Report of Saturday".



Winners of the International Competition Section

The Best Short Documentary Award won by "Slomo" directed by Josh Izenberg. The Special Jury Award won by "For Me Sun Never Sets" directed by Mina Rad. The Jury Award won by "Father and Son" directed by Paweł Łoziński. The Best Full-length Documentart Award won by "Abu Haraz" directed by Tomasz Wolski and "Memories for All the Seasons" directed by Mostafa Razagh Karimi. The Special Jury Prize won by "The Act of Killing" directed by Joshua Oppenheimer.

روزنامه

فستیوال و سینما حقیقت
Tehran 10-17 Dec 2013
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival
هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
۱۹ تا ۲۶ آذر ۹۲ تهران - سینما حقیقت

برسکس
شاره انور
سید شمس‌الرضا آذرده ۹۲